



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

جلوه‌های نقش آفرینی دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان؛ توصیه‌ها و تاکیدها

(به مناسبت شانزدهم آذر، روز دانشجو)

بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهش خبری // امید جلوداریان

این پژوهش به شاخص‌یابی بیانات رهبر انقلاب درباره "جلوه‌های نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان" از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ می‌پردازد.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان، دانشجویان، نخبگان و پژوهشگران، در این سه سال، با تأکید بر چگونگی نقش‌آفرینی آنها در محیط دانشگاه و جامعه، شاخص‌یابی و محوربندی شده است.

رهبر معظم انقلاب از مطلوب بودن تحرک ذهنی و علمی در استادان و دانشجویان سخن می‌گویند و بر لزوم حرکت استادان در مسیرهای مورد نیاز کشور تأکید می‌کنند.

رهبر انقلاب از استادان می‌خواهند در دانشگاه در مواردی مانند تربیت عنصر غیروابسته به غرب، تربیت عنصر مقاوم و با عزم و اراده، تربیت عنصر متدین و با ایمان، تربیت عنصر دارای اعتماد به نفس، تربیت عنصر کاربلد و کاردان، تربیت عنصر عمیق، تربیت عنصر انقلابی و تربیت عنصر معتقد و مباهی به هویت ملی خود نقش‌آفرینی کنند.

ایشان همچنین بر نقش‌آفرینی استادان در بیرون محیط دانشگاه و در مسائلی مانند پمپاژ مفاهیم قدرت و تهدید و امنیت به مراکز تصمیم‌گیری، گره‌گشایی علمی در خصوص علت پیش رفتن اقتصاد مقاومتی، مطلوب نبودن پیشرفت اشتغال و تولید ملی، محقق نشدن سیاست‌های اصل ۴۴، محقق نشدن عدالت اجتماعی و ممانعت از ویروسی شدن نرم‌افزار مدیریتی کشور و تبیین مسائل مهم جامعه تأکید می‌کنند.

جوانب دانشگاه‌های امروزی شاخص دیگری است که رهبر انقلاب درباره آن به سه مورد اشاره می‌کنند: مرکزیت علم، مرکزیت نوآوری و مرکز اثرگذاری در جامعه.

رهبر انقلاب در خصوص نقش‌آفرینی دانشجویان، آنها را به حفظ هویت و آرمان داشتن توصیه و بر اساس مسئولیت انسانی، احساس مسئولیت ملی، احساس مسئولیت دینی، احساس مسئولیت اجتماعی، احساس مسئولیت بین‌المللی و داشتن نگاه نقادانه، دغدغه‌مند و آرمان‌گرایانه به مسائل کشور تأکید می‌کنند.

مأیوس نشدن از شکست‌های مقطعی، توجه به دستاوردها و موفقیت‌ها، تأثیرپذیرفتن از تبلیغات منفی دشمن، برخورد قاطع و خصمانه با دشمن خارجی و طبیانه و دلسوزانه با دوستان داخلی و توجه به دانش به عنوان رکن اساسی دانشگاه از نکات دیگری است که رهبر معظم انقلاب خطاب به دانشجویان مطرح می‌کنند.

توصیه‌های رهبر انقلاب به تشکل‌های انقلابی و اسلامی بخش دیگر بیانات رهبر انقلاب است. تأکید بر حفظ آرمان‌ها، تأکید بر واقع بینی به معنای دیدن واقعیت‌های مثبت و پیدا کردن راه حل برای موانع، تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه، لزوم آتش به اختیار بودن همه هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در مواقع لزوم، اهتمام به مخاطب واقعی، تبیین کلیدواژه‌های اصلی و تقویت گفتمان‌های اصلی (عدالت، اقتصاد دانش‌بنیان و مقاومتی، پیشرفت ایرانی اسلامی) از جمله این توصیه‌هاست.

الف) نقش آفرینی دانشگاه‌ها:

- ۱- مرکزیت علمی
- ۲- مرکزیت نوآوری
- ۳- مرکزیت اثرگذاری در جامعه

ب) مراقبت در خصوص برخورد سلیقه‌ای نظام سلطه با جوانب مهم نقش-

آفرینی دانشگاه:

- ۱- جنبه علمی:
 - ۱-۱- دادن متاع علمی دست دوم به دانشگاه‌ها
 - ۲-۱- منتقل نکردن پیشرفت‌های مهم علمی به علت پیدا شدن رقیب برای استعمار غربی
- ۲- جنبه نوآوری:
 - ۱-۲- تبدیل شدن دانشگاه به محل انتقال ارزش‌های غربی
- ۳- جنبه تاثیرگذاری:
 - ۱-۳- مدیریت اثرگذاری دانشگاه بر محیط خارج از طریق دستگاه‌های فرهنگی وابسته، دستگاه‌های امنیتی و با زر و زور

ج) نقش آفرینی استادان:

- ۱- نقش آفرینی درون دانشگاه:
 - ۱-۱- تربیت عنصر غیروابسته به غرب
 - ۲-۱- تربیت عنصر مقاوم و با عزم و اراده
 - ۳-۱- تربیت عنصر متدین و با ایمان
 - ۴-۱- تربیت عنصر دارای اعتماد به نفس
 - ۵-۱- تربیت عنصر کاربلد و کاردان
 - ۶-۱- تربیت عنصر عمیق
 - ۷-۱- تربیت عنصر انقلابی
 - ۸-۱- تربیت عنصر معتقد و مَباهی به هویت ملی خود

**جلوه‌های نقش آفرینی
دانشگاه‌ها (استادان و
دانشجویان)**

۲- نقش آفرینی در بیرون محیط دانشگاه:

۱-۲- پمپاژ مفاهیم قدرت و تهدید و امنیت و مانند اینها به مراکز
تصمیم‌گیری

۲-۲- گره‌گشایی علمی در خصوص علت پیش نرفتن اقتصاد مقاومتی

۳-۲- گره‌گشایی علمی در خصوص علت مطلوب نبودن پیشرفت مسئله
اشتغال و تولید ملی

۴-۲- گره‌گشایی علمی در خصوص علت محقق نشدن سیاست‌های اصل
۴۴

۵-۲- گره‌گشایی علمی در خصوص علت محقق نشدن عدالت اجتماعی

۶-۲- ممانعت از ویروسی شدن نرم‌افزار مدیریتی کشور

۷-۲- تبیین جعل منظومه فکری، فرهنگی و عملی برای دنیا در سند
۲۰۳۰

۸-۲- تبیین الزام آور بودن مفاد سند ۲۰۳۰ و سلب امتیاز از کشورهای
که اجرا نمی‌کنند

۹-۲- تبیین الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت

۳- ترویج عقاید و اصالت‌ها و مبانی (با توجه به مسئولیت استادی
و معلمی):

۱-۳- ترویج احساس مسئولیت و تعهد

۲-۳- ترویج مثبت‌اندیشی و امیدواری

۳-۳- ترویج عزم و نیت قاطع برای اقدام در کشور

۴-۳- ترویج اعتقاد به اصالت‌های میهنی و سرزمینی:

۱-۴-۳- اعتقاد به محدوده کشور و مفاهیم رایج کشور

۲-۴-۳- اعتنای به مفاهیم معتبر هویت قومی

۵-۳- ترویج اعتقاد به مبانی دینی

۶-۳- ترویج اعتقاد به مبانی انقلابی

۷-۳- ترویج بی‌توجهی به بیرون مرزها

(د) نقش آفرینی دانشجویان (توصیه‌ها به دانشجویان):

**جلوه‌های نقش آفرینی
دانشگاه‌ها (استادان و
دانشجویان)**

**جلوه‌های نقش آفرینی
دانشگاه‌ها (استادان و
دانشجویان)**

- ۱- احساس مسئولیت انسانی
- ۲- احساس مسئولیت ملی
- ۳- احساس مسئولیت دینی
- ۴- احساس مسئولیت اجتماعی
- ۵- احساس مسئولیت بین‌المللی
- ۶- نگاه نقادانه، دغدغه‌مند و آرمان‌گرایانه به مسائل کشور:
 - ۱-۶- روحیه سؤال کردن
 - ۲-۶- امر به معروف، نهی ازمنکر
 - ۳-۶- مطالبه جدی آرمان‌ها و ارزش‌ها
 - ۷- مایوس نشدن از شکست‌های مقطعی
 - ۸- توجه به دستاوردها و موفقیت‌ها:
 - ۱-۸- احساس سرافرازی به انقلاب
 - ۲-۸- اقتدار و اعمال نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا
 - ۳-۸- محقق نشدن خواسته‌های آمریکا و همراهانش
 - ۴-۸- پیشرفت‌های گوناگون
 - ۹- تاثیرپذیرفتن از تبلیغات منفی دشمن:
 - ۱-۹- شگرد القای ناتوانی و شکست
 - ۲-۹- همصدایی عده‌ای در داخل با دشمن
 - ۱۰- برخورد قاطع و خصمانه با دشمن خارجی و طیبانه و دلسوزانه با دوستان داخلی:
 - ۱-۱۰- آزادی در برخورد صریح و بدون رنگ و روغن‌های دیپلماسی با دشمن خارجی
 - ۱۱- توجه به دانش - نه فعالیت سیاسی - به عنوان رکن اساسی دانشگاه:
 - ۱-۱۱- دانشگاه محل تولید علم و عالم و جهت‌دهی درست به علم و عالم:
 - ۱-۱۱-۱- ابزار بدبختی شدن علم و عالم در تمدن مادی:
 - ۱-۱۱-۱-۱- تولید بمب اتم
 - ۱-۱۱-۱-۲- تولید سلاح شیمیایی
 - ۱-۱۱-۱-۳- تولید ویروس‌های خطرناک

**جلوه‌های نقش آفرینی
دانشگاه‌ها (استادان و
دانشجویان)**

۱۲- توصیه‌ها به تشکل‌های دانشجویی:

۱-۱۲- تاکید بر حفظ آرمان‌ها:

۱-۱-۱۲- رسیدن به جامعه عادل

۱-۲-۱۲- رسیدن به جامعه آزاد

۱-۳-۱۲- رسیدن به جامعه پیشرفته

۱-۴-۱۲- رسیدن به جامعه مؤمن و متعبد

۱-۵-۱۲- رسیدن به جامعه مرقّه

۱-۶-۱۲- رسیدن به جامعه متحد

۱-۷-۱۲- رسیدن به جامعه قوی و مستحکم

۱-۸-۱۲- رسیدن به جامعه مستقل

۱۲-۲- تاکید بر واقع‌بینی به معنای دیدن واقعیت‌های مثبت و پیداکردن

راه‌حل برای موانع:

۱-۲-۱۲- جمعیت جوان

۲-۲-۱۲- جمعیت با استعداد

۳-۲-۱۲- توانایی‌های بشری فوق‌العاده

۴-۲-۱۲- استعداد فوق‌العاده ملت

۵-۲-۱۲- امکانات زیرزمینی

۶-۲-۱۲- موقعیت مناسب جغرافیایی

۷-۲-۱۲- پیشرفت‌های جمهوری اسلامی

۱۲-۳- تقویت گفتمان‌های اصلی

۱-۳-۱۲- گفتمان عدالت

۲-۳-۱۲- گفتمان اقتصاد دانش‌بنیان و مقاومتی

۳-۳-۱۲- گفتمان پیشرفت ایرانی اسلامی

۴-۳-۱۲- گفتمان شتاب در یافته‌های علمی

۱۲-۴- تشکیل جبهه واحد ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی

۱-۴-۱۲- تشکیل کمپین‌های عمومی دنیای اسلامی در ضدیت با سیاست‌های آمریکا

و رژیم صهیونیستی

۱۲-۴-۲- به وجود آوردن جمعیت عظیم دانشجویی در دنیای اسلام در فضای مجازی

۱۲-۵- صریح بودن و تقیه نکردن در دفاع از نظام اسلامی

۱۲-۶- گسترش اردوهای جهادی

۱۲-۷- دنیال کردن سبک زندگی اسلامی - ایرانی در اندیشه و عمل
۱۲-۸- تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در
دانشگاه

۱۲-۹- آتش به اختیار بودن همه هسته‌های فکری و عملی جهادی،
فکری، فرهنگی در مواقع لزوم:

۱۲-۹-۱- هنگامی که دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار
اختلال‌اند

۱۲-۱۰- اهتمام به مخاطب واقعی:

۱۲-۱۰-۱- برپایی میزگرد

۱۲-۱۰-۲- سخنرانی

۱۲-۱۰-۳- نشریه

۱۲-۱۰-۴- بحث‌های دونفره و سه‌نفره

۱۲-۱۰-۵- جلسات تحلیل

۱۲-۱۱- تبیین کلیدواژه‌های اصلی:

۱۲-۱۱-۱- مردمسالاری و نقش مردم در حکومت

۱۲-۱۱-۲- استقلال

۱۲-۱۱-۳- نفی نظام سلطه

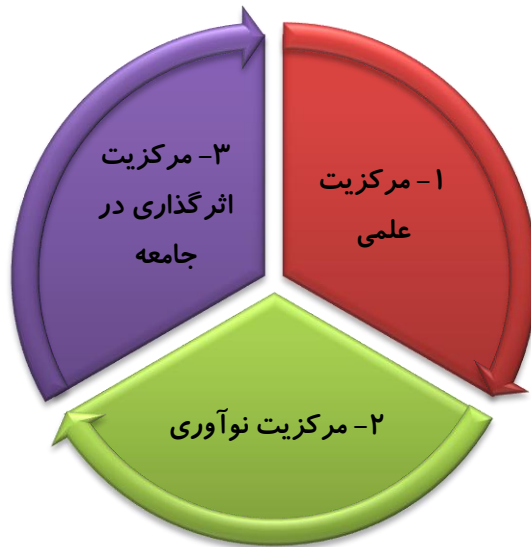
۱۲-۱۱-۴- آزادی

۱۲-۱۱-۵- عدالت

۱۲-۱۲- تدین و تعبد در عمل و گفتار

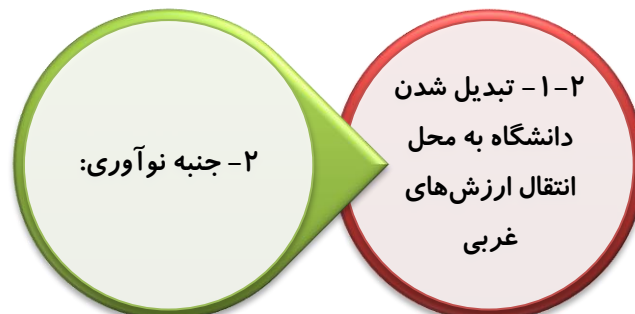
۱۲-۱۳- شجاعت و سنجیدگی در اقدام

**جلوه‌های نقش آفرینی
دانشگاه‌ها (استادان و
دانشجویان)**



ب) مراقبت در خصوص برخورد سلیقه‌ای نظام سلطه با جوانب مهم نقش آفرینی دانشگاه:

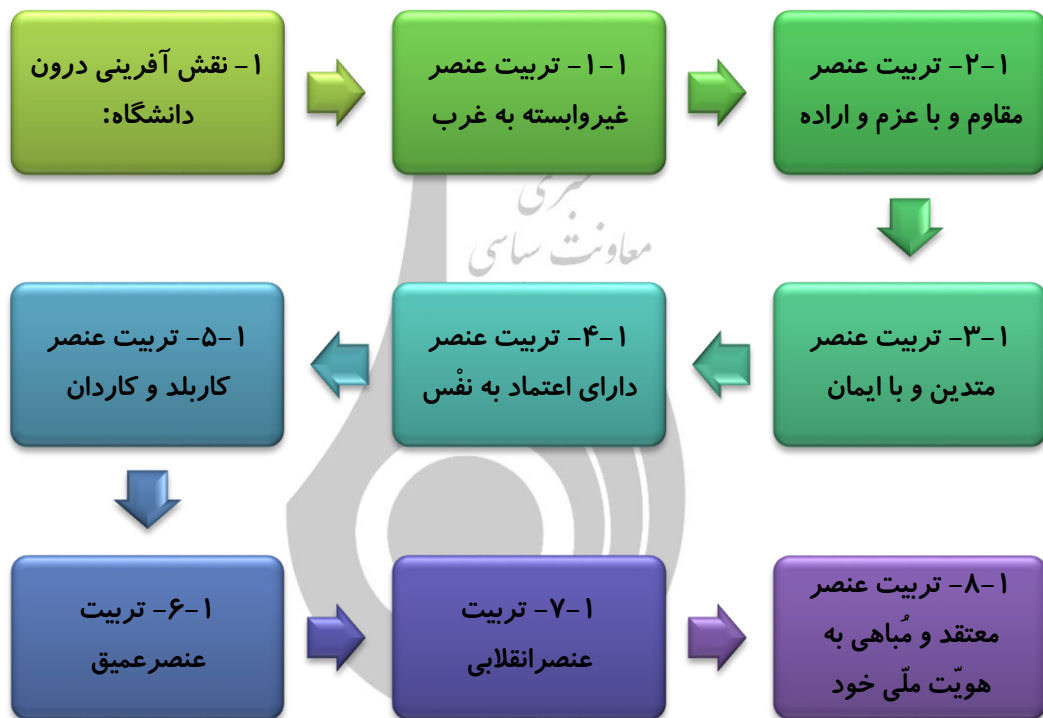
- ۱- جنبه علمی:
- ۱-۱- دادن متاع علمی دست دوم به دانشگاه‌ها
- ۲-۱- منتقل نکردن پیشرفت‌های مهم علمی به علت پیدا شدن رقیب برای استعمار غربی



۳- جنبه
تأثیر گذاری:

۱-۳- مدیریت اثر گذاری
دانشگاه بر محیط خارج از طریق
دستگاه‌های فرهنگی وابسته،
دستگاه‌های امنیتی و با زر و زور

ج) نقش آفرینی استادان:



۲- نقش آفرینی در بیرون محیط دانشگاه:

۱-۲- پمپاژ مفاهیم قدرت و تهدید و امنیت و مانند اینها به مراکز تصمیم گیری

۲-۲- گره‌گشایی علمی در خصوص علت پیش نرفتن اقتصاد مقاومتی

۳-۲- گره‌گشایی علمی در خصوص علت مطلوب نبودن پیشرفت مسئله اشتغال و تولید ملی

۴-۲- گره‌گشایی علمی در خصوص علت محقق نشدن سیاست‌های اصل ۴۴

۵-۲- گره‌گشایی علمی در خصوص علت محقق نشدن عدالت اجتماعی

۶-۲- ممانعت از ویروسی شدن نرم‌افزار مدیریتی کشور

۷-۲- تبیین جعل منظومه فکری، فرهنگی و عملی برای دنیا در سند ۲۰۳۰

۲-۸- تبیین الزام آور بودن مفاد سند ۲۰۳۰ و سلب امتیاز از کشورهای که اجرا نمی‌کنند

۲-۹- تبیین الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت

۳- ترویج عقاید و اصالت‌ها و مبانی (با توجه به مسئولیت استادی و معلمی):

۳-۱- ترویج احساس مسئولیت و تعهد

۳-۲- ترویج مثبت‌اندیشی و امیدواری

۳-۳- ترویج عزم و نیت قاطع برای اقدام در کشور

۳-۴- ترویج اعتقاد به اصالت‌های میهنی و سرزمینی:

۳-۴-۱- اعتقاد به محدوده کشور و مفاهیم رایج کشور

۳-۴-۲- اعتنای به مفاهیم معتبر هویت قومی

۳-۵- ترویج اعتقاد به مبانی دینی

۳-۶- ترویج اعتقاد به مبانی انقلابی

۳-۷- ترویج بی‌توجهی به بیرون مرزها

(د) نقش آفرینی دانشجویان (توصیه‌ها به دانشجویان):

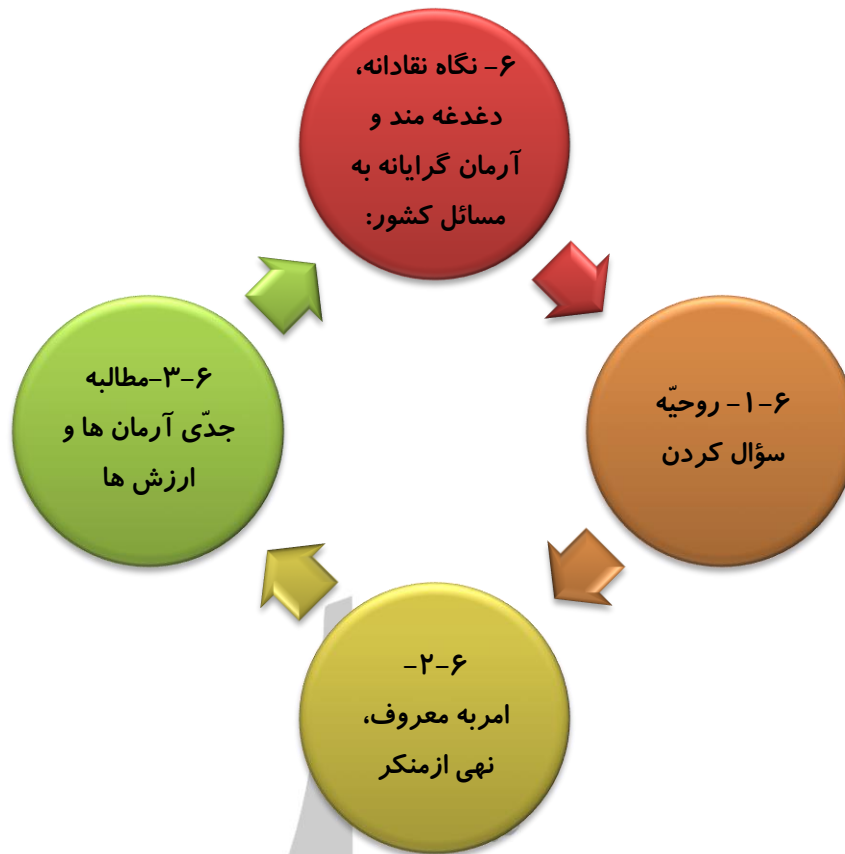
۱- احساس مسئولیت انسانی

۲- احساس مسئولیت ملی

۳- احساس مسئولیت دینی

۴- احساس مسئولیت اجتماعی

۵- احساس مسئولیت بین‌المللی



۹- تاثیرپذیرفتن از تبلیغات منفی دشمن:

۹-۱- شگرد القای ناتوانی و شکست

۹-۲- همصدایی عده‌ای در داخل با دشمن

صد او سیما

۱۰-۱- آزادی در برخورد
صریح و بدون رنگ و روغن-
های دیپلماسی با دشمن
خارجی

۱۰- برخورد قاطع و خصمانه
با دشمن خارجی و طبیانه و
دلسوزانه با دوستان داخلی:



۱۲- توصیه‌ها به تشکل‌های دانشجویی:

- ۱-۱۲- تاکید بر حفظ آرمان‌ها:
- ۱-۱-۱۲- رسیدن به جامعه عادل
- ۲-۱-۱۲- رسیدن به جامعه آزاد
- ۳-۱-۱۲- رسیدن به جامعه پیشرفته
- ۴-۱-۱۲- رسیدن به جامعه مؤمن و متعبد
- ۵-۱-۱۲- رسیدن به جامعه مرفه
- ۶-۱-۱۲- رسیدن به جامعه متحد
- ۷-۱-۱۲- رسیدن به جامعه قوی و مستحکم
- ۸-۱-۱۲- رسیدن به جامعه مستقل





۹-۱۲- آتش به اختیار بودن همه هسته‌های
فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در
مواقع لزوم:



۱-۹-۱۲- هنگامی که دستگاه‌های مرکزی
فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار
اختلال اند

حماسه
معاونت سیاسی
صدا و سیما

۱۰-۱۲- اهتمام به مخاطب واقعی:

۱-۱۰-۱۲- برپایی میزگرد

۲-۱۰-۱۲- سخنرانی

۳-۱۰-۱۲- نشریه

۴-۱۰-۱۲- بحث‌های دونفره و
سه نفره

۵-۱۰-۱۲- جلسات تحلیل

۱۱-۱۲- تبیین کلیدواژه های اصلی:

۱-۱۱-۱۲- مردمسالاری و نقش مردم در حکومت

۲-۱۱-۱۲- استقلال

۳-۱۱-۱۲- نفی نظام سلطه

۴-۱۱-۱۲- آزادی

۵-۱۱-۱۲- عدالت

تخریب
معاونت سیاسی
صدا و سیما

۱۲-۱۲- تدین و
تعبد در عمل و گفتار

۱۳-۱۲- شجاعت و
سنجیدگی در اقدام

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
۱	<p>جلوه‌های نقش آفرینی دانشگاه‌ها (استادان و دانشجویان)</p>	<p>الف) نقش آفرینی دانشگاه‌ها:</p> <p>۱- مرکزیت علمی</p> <p>۲- مرکزیت نوآوری</p> <p>۳- مرکزیت اثرگذاری در جامعه</p> <p>ب) مراقبت در خصوص برخورد سلیقه‌ای نظام سلطه با جوانب مهم نقش آفرینی دانشگاه:</p> <p>۱- جنبه علمی:</p> <p>۱-۱- دادن متاع علمی دست دوم به دانشگاه‌ها</p> <p>۱-۲- منتقل نکردن پیشرفت‌های مهم علمی به علت پیدا شدن رقیب برای استعمار غربی</p> <p>۲- جنبه نوآوری:</p> <p>۱-۲- تبدیل شدن دانشگاه به محل انتقال ارزش‌های غربی</p> <p>۳- جنبه تاثیرگذاری:</p> <p>۱-۳- مدیریت اثرگذاری دانشگاه بر محیط خارج از طریق دستگاه‌های فرهنگی وابسته، دستگاه‌های امنیتی و بازر و زور</p> <p>ج) نقش آفرینی استادان:</p> <p>۱- نقش آفرینی درون دانشگاه:</p> <p>۱-۱- تربیت عنصر غیروابسته به غرب</p>	<p>«یکی از مشکلاتمان در مجموعه‌ی دانشگاه همین است؛ اگر اساتید ما در جنبه‌هایی که برای کشور مورد نیاز است، حرکت و پیشرفت داشته باشند، در زیرمجموعه -که مجموعه‌ی دانشجویی است- تأثیرات آشکاری خواهد گذاشت.</p> <p>من حرف عمده‌ام امروز -که البته وقت زیاد نیست؛ بنده هم حالا تا آنجایی که بتوانم و حال و حوصله کمک کند عرض میکنم- توجه به مسئولیت معلّمی و مسئولیت استادی است؛ این عرض عمده‌ی ما است. بالاخره استاد در محیط دانشگاه یک نقش آفرینی منحصر به فردی دارد. گمان نشود که حالا این جوانها هر کدام یک حرفی دارند، یک فکری دارند؛ نه، شما اثرگذارید در روح جوان، در دل جوان، در فکر جوان؛ او را وادار به فکر میکنید، وادار به حرکت میکنید؛ خیلی میتوانید اثر بگذارید. نقش استاد دانشگاه و معلّم جوانان دانشجو، یک نقش کم‌نظیر و بی‌بدیلی است. اگر استاد احساس مسئولیت داشته باشد، متعهد باشد، مثبت‌اندیش باشد، امیدوار باشد، عزم و نیت قاطع برای اقدام در کشور داشته باشد، این در دانشجو اثر میگذارد. اگر استاد معتقد به اصالت‌های میهنی خودش، اصالت‌های سرزمینی خودش باشد، معتقد به مبانی دینی خودش باشد، معتقد به مبانی انقلابی خودش باشد، در دانشجو اثر میگذارد. عکسش هم همین جور است؛ استادی که نگاهش به بیرون از مرزها است، هیچ اعتقادی به محدوده‌ی کشور و مفاهیم رایج کشور و مفاهیم معتبر هویت قومی خودش ندارد و بی‌اعتنا است، طبیعتاً همان جور دانشجویی را تربیت میکند. این را ما در یک دوره‌ای مشاهده کردیم؛ حالا دیگر نمیخواهم وارد بحث بشوم؛ در یک دوره‌ی بسیار تلخی -در اوایل دوره‌ی پهلوی- این را در کشور دیدیم که چه جور اساتیدی، چه جور شاگردانی تربیت کردند، چه نسلی به وجود آمد که اگر انقلاب نمیشد، خدا میداند که آن نسل بکلی تهیدست از همه‌ی اصالت‌ها -اصالت‌های دینی و وطنی و ملی و همه‌چیز- و آنهایی که داشتند رو می‌آمدند، چه بر سر این کشور می‌آوردند. انقلاب واقعاً نجات داد کشور را، از این بُعد که آن تربیت‌شده‌ها، آن نسلی که در آن دانشگاه و در آن محیط تربیت شده بودند، خدا میداند که چه میکردند با این کشور اگر میخواستند سر کار بیایند. خب، بنابراین حرف ما این است؛ ما راجع به استاد میخواهیم صحبت بکنیم...</p> <p>...اما در مورد شاگردپروری، اهمیت این کار خیلی بالا است. شما میخواهید نیروی انسانی را آماده کنید برای یک دوران آینده‌ی بسیار پر مسئله؛ دوران‌های آینده‌ی ما یعنی دهه‌های آینده‌ی ما، دهه‌های بسیار پر مسئله‌ای است؛ مسائل گوناگونی [دارد]؛ می‌بینید تحولات دنیا را؛ تحولات بسیار سریع و بسیار قاطع است. با این است که این تحولات آینده، موجب خواهد شد که این حباب وابستگی، این حصار وابستگی‌ای که به صورت تاریخی روی ملت ایران گذاشته شده است، شکسته خواهد شد و ما از این حباب و از این حصار بیرون می‌آییم و جای خودمان را پیدا میکنیم، شأن خودمان را پیدا میکنیم، حرف خودمان را در دنیا علم میکنیم، مطرح میکنیم -ما حرف داریم، نظام اسلامی حرف‌های زیادی دارد؛ حرف‌های تازه‌ی زیادی دارد- و در دهه‌های آینده، نیروی انسانی ما، نیرویی که امروز شما دارید تربیت میکنید، با همت خود، با عزم خود، با سواد خود و دانشی که آموخته، با روحیاتی که به او داده شده، خواهد توانست این حصار وابستگی و تعطیل و مانند اینها را بشکند و واقعاً یک حرکت به معنای واقعی بکند و ایران و ایرانی در جایگاه واقعی خودش قرار بگیرد؛ یا این خواهد شد، یا خدای نکرده، وارد یک دوران تحقیرشدگی طولانی دیگری خواهد شد، اگر چنانچه این خصوصیات را نیروی انسانی ما نداشته باشد؛ اگر نیروی انسانی ما وابسته اندیشید، وابسته حرکت کرد، از وابستگی خوشش آمد، قدر استقلال را ندانست، قدر اسلام و ارزش‌های اسلامی را ندانست، به خودش بی‌اعتماد بود -اگر این جور بود- آن وقت ما وارد یک دالان تاریک طولانی دیگری خواهیم شد، مثل همین دورانی که در زیرسلطه‌ی غرب از اندکی قبل از مشروطه تا قبل از انقلاب قرار داشتیم که با زحمت زیاد و با تلاش زیاد، توانستیم خودمان را به یک نحوی نجات بدهیم؛ باز وارد همان فرآیند تلخ دشوار گذشته خواهیم بود. این بستگی دارد به اینکه شما امروز این دانشجو را چه جوری پرورش بدهید. بنابراین پرورش دانشجو به نظر من خیلی مهم است.</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		۱-۲- تربیت عنصر مقاوم و با عزم و اراده	شما جوان را باید تربیت کنید برای آن صورت اول؛ برای اینکه این جوانی که امروز شما تربیت میکنید، بتواند در قبال قضایای آینده و حوادث و تحولات مهمی که جهان در مقابل خود دارد - نه فقط کشور ما یا منطقه‌ی غرب آسیا که البته تحولات جهانی، اینجا هم اثر دارد یا یکی از مراکز مهمش اینجا است، لکن تحولاتی که من عرض میکنم تحولات جهانی است؛ زمینه‌های علمی و عملی و سیاسی و تقسیم قدرت و امثال اینها؛ تحولات عجیبی وجود خواهد داشت - یک عنصری باشد مقاوم، با عزم و اراده، با ایمان، دارای اعتماد به نفس، کاربلد، کاردان، آگاه باشد، عمیق باشد، انقلابی باشد، متدین باشد تا بتواند در آن روز کشور را به راهی که شایسته‌ی او است ببرد.
		۱-۳- تربیت عنصر متدین و با ایمان	یکی از خصوصیات که این جوانی که شما تربیت میکنید و روی او اثر میگذارید باید دارا باشد، [این است که] معتقد و مباهی به هویت ملی خود باشد. من آن روز در جمع مسئولین که اینجا بودند، راجع به هویت ملی صحبت کردم؛ عرض کردم که منافع ملی در رابطه‌ی با هویت ملی، معنا میشود و ترجمه میشود. آن چیزی که ظاهرش منفعت است، اما باطنش با هویت ملی ناسازگار یا معارض است، در واقع منافع ملی نیست؛ زیانهای ملی است. باید با این هویت ملی، این جوان را آشنا کنید که مباهی به این هویت باشد و به استقلال که البته غالباً جوانهای امروز ما، قدر استقلال را هم نمیدانند؛ خب جوان دانشجو از اول عمرش، در یک کشوری زندگی کرده که هیچ وابستگی سیاسی‌ای به قدرتهای خارجی نداشته؛ از اول، همیشه دیده که در مقابل قدرتهای خارجی‌ای که دیگران جرئت نمیکند بگویند «بالای چشمتان ابرو است»، جمهوری اسلامی ایستاده؛ این استقلال سیاسی است؛ این را از اول دیده‌اند، [لذا] قدرش را نمیدانند؛ آن دوره‌ای را که هر چه آمریکا میگفت و قبل از او هر چه انگلیس میگفت باید در کشور تحقق پیدا میکرد، اینها درک نکرده‌اند، لذا قدر استقلال را نمیدانند؛ این باید تفهیم بشود به اینها. این یک‌چور نقش اساتید بر روی دانشجویها است.
		۱-۵- تربیت عنصر کاربلد و کاردان	نقش دوم، نقش در مسائل کشور است؛ همین که چند نفر از این برادران، اینجا گفتند و من کاملاً تصدیق میکنم. یکی از برادرها گفتند ما مفاهیم قدرت و تهدید و امنیت و مانند اینها را [به جامعه] پمپاژ نکرده‌ایم؛ البته اهمیت اینها در این نیست که به جامعه پمپاژ بشود؛ اهمیت در این است که به مراکز تصمیم‌گیری پمپاژ بشود؛ یعنی اینها تصمیم‌سازی است. بله، بنده هم همین را قبول دارم؛ این کارها نشده، این کارها باید بشود. یا برادر دیگری راجع به طرحهای مصوب و مانند اینها گفتند، یا آن برادری که سیستم غلط کار صنعتی در طول پنجاه سال را ذکر کردند؛ اینها حرفهای اساسی است؛ عرض کردم، اینها قابل بحث است؛ اینها را باید بحث کرد، باید پخته کرد. اما اینها حرفهایی و فکریهایی و نظراتی است که باید به مراکز تصمیم‌گیری منتقل بشود؛ مراکز تصمیم‌گیری باید در جریان این مسائل قرار بگیرند، از اینها استفاده کنند. یکی از علل اینکه من اصرار دارم این جلسه در هر ماه رمضان تشکیل بشود و [اساتید دانشگاه] بیایند و حرف بزنند - البته دلم میخواست در سال دوازده بار این جور جلسه‌ای تشکیل بشود که متأسفانه نمیتوانیم - همین است که این حرفها گفته بشود، مسئولین بشنوند، مراکز تصمیم‌گیری بشنوند؛ باید اثر بگذارد.
		۱-۶- تربیت عنصر عمیق	فرض بفرمایید در مسائل اقتصادی کشور، ما این‌همه راجع به مسائل اقتصادی حرف میزنیم، همه هم تصدیق میکنند؛ اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، همه هم از صدر تا ذیل تأیید میکنند، تصدیق میکنند، برایش جلسه و کمیته و کمیسیون و مانند اینها هم تشکیل میدهند، [اما] آن -چنان- که باید و شاید کار پیش نمیرود. خب اشکال کجا است؟ یک گره علمی وجود دارد؛ این گره علمی را چه کسی باید باز کند؟ شما که در دانشگاه هستید باید باز کنید.
		۱-۷- تربیت عنصر انقلابی	یا مسئله‌ی اشتغال. ما امسال اشتغال را مطرح کردیم، بحث کردیم؛ تولید ملی و اشتغال. «اشتغال» یا «تولید ملی» یک فکر است، همه هم میخواهند این کار را انجام بدهند، تلاشهایی هم میکنند. من اول سال در سخنرانی‌هایم؛ یعنی کاری را که دولت کرده بود به افکار عمومی گزارش دادم؛ هفده هزار میلیارد تومان برای کارگاه‌های کوچک یا متوسط یا چه صرف کردند تا کمک کنند که بلکه راه بیفتند، لکن اثر مطلوب را نبخشید. اشکال کار کجا است؟ شبیه این کار در دولت قبل هم انجام گرفته بود، شبیه این کار در دولت هشتم هم انجام گرفته بود؛ نمیشود. چرا نمیشود؟ خب یک اشکال علمی دارد؛ لابد یک اشکالی در کار هست، گرهی هست؛ این گره،
		۱-۸- تربیت عنصر معتقد و مباهی به هویت ملی خود	
		۲- نقش آفرینی در بیرون محیط دانشگاه:	
		۱-۲- پمپاژ مفاهیم قدرت و تهدید و امنیت و مانند اینها به مراکز تصمیم‌گیری	
		۲-۲- گره‌گشایی علمی	
		درخصوص علت پیش نرفتن اقتصاد مقاومتی	
		۳-۲- گره‌گشایی علمی	
		درخصوص علت مطلوب نبودن پیشرفت مسئله اشتغال و تولید ملی	
		۴-۲- گره‌گشایی علمی	
		درخصوص علت محقق نشدن سیاست‌های اصل ۴۴	
		۵-۲- گره‌گشایی علمی	
		درخصوص علت محقق نشدن عدالت اجتماعی	
		۶-۲- ممانعت از ویروسی شدن نرم‌افزار مدیریتی کشور	

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		<p>۲-۷- تبیین جعل منظومه فکری، فرهنگی و عملی برای دنیا در سند ۲۰۳۰</p> <p>۲-۸- تبیین الزام آور بودن مفاد سند ۲۰۳۰ و سلب امتیاز از کشورهایی که اجرا نمی‌کنند</p> <p>۲-۹- تبیین الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت</p> <p>۳- ترویج عقاید و اصالت‌ها و مبانی (با توجه به مسئولیت استادی و معلمی):</p> <p>۳-۱- ترویج احساس مسئولیت و تعهد</p> <p>۳-۲- ترویج مثبت‌اندیشی و امیدواری</p> <p>۳-۳- ترویج عزم و نیت قاطع برای اقدام در کشور</p> <p>۳-۴- ترویج اعتقاد به اصالت‌های میهنی و سرزمینی:</p> <p>۳-۴-۱- اعتقاد به محدوده کشور و مفاهیم رایج کشور</p> <p>۳-۴-۲- اعتنای به مفاهیم معتبر هویت قومی</p> <p>۳-۵- ترویج اعتقاد به مبانی دینی</p> <p>۳-۶- ترویج اعتقاد به مبانی انقلابی</p> <p>۳-۷- ترویج بی‌توجهی به بیرون مرزها</p> <p>(د نقش آفرینی دانشجویان (توصیه‌ها به دانشجویان) :</p>	<p>گره علمی است؛ این کجا باید باز بشود؟ در دانشگاه. اگر این نقدینگی عظیمی که گزارش میشود در دست مردم وجود دارد، در خدمت اشتغال قرار بگیرد، شما ببینید چه اتفاقی در مملکت می افتد. چرا قرار نمیگیرید؟ حالا مشکل بانک‌ها را اینجا مطرح کردند، بله. خب حالا این اشکالات نظام بانکی، بایستی در مراکز تصمیم‌گیری مورد توجه قرار بگیرد.</p> <p>یا مسئله‌ی اصل ۴۴ را -که تقویت بخش خصوصی و واردکردن بخش خصوصی و سرمایه‌های بخش خصوصی در اقتصاد کشور است- ما چندسال پیش مطرح کردیم، همه به به و چه‌چه کردند، کارهایی هم انجام گرفت؛ اما خب تحقیقش را نمیبینیم؛ من احساس نمیکنم پیشرفت کار را. نه اینکه نمیخواهند، میخواهند، تلاش هم میکنند، منتها پیش نمیرود؛ اشکال علمی وجود دارد، من این را میخواهم بگویم. نقشی که دانشگاه میتواند ایفا کند این است که گره‌های علمی را در این زمینه‌ها جستجو کند، بشناسد و باز کند و در اختیار دستگاه‌های کشور بگذارد.</p> <p>یا بحث آسیب‌های اجتماعی است، بحث عدالت اجتماعی است که این همه حرف عدالت اجتماعی را همه میزنیم، این همه راجع به عدالت اجتماعی میگوییم، جزو واضحات و مسلمات است. خب کو؟ حالا تحقق پیدا کرد عدالت اجتماعی؟ ضریب جینی روزبه‌روز بالاتر رفته است، بدتر شده است. چرا؟ علت چیست؟ این فکر درست، این خواست درست، این هدف درست، چرا در کشور تحقق پیدا نمیکند؟</p> <p>راجع به مدیریت کلان کشور، یکی از آقایان اینجا صحبت کرده؛ اتفاقاً بنده هم یادداشت کرده‌ام؛ یکی از کارهایی که میتوانید شما انجام بدهید، کمک کردن به مدیریتهای کلان کشور است. یعنی ببینید یکی از اشکالات مدیریتهای کلان ما این است که نرم‌افزار مدیریتی ما ویروسی بشود؛ یعنی دشمن بتواند در اندیشه‌ی مدیریتی ما ویروسی را وارد کند که تمام ابتکارات ما و کارهای ما و تصمیم‌های ما را خراب کند و به جهت خلاfi هدایت کند و پیش برود. میتوانیم مانع بشویم؛ باید مانع شد، جزو کارهای اساسی است. یا استفاده از ظرفیتهای مغفول‌مانده‌ی کشور.</p> <p>مسئله‌ی تبیین؛ یکی از کارهای اساتید، مسئله‌ی تبیین است که حالا من تشکر میکنم از آقای پارسا که راجع به سند ۲۰۳۰ اینجا صحبت کردند؛ خب این باید تبیین بشود؛ ما یک چیزی راجع به این سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش گفتیم، خب حرفهای گوناگونی هم اطرافش زده شد. این مسئله، خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ همین‌طور که ایشان اشاره کرد، این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل -سند توسعه‌ی پایدار- است که یک بخش آن همین سند ۲۰۳۰ مربوط به آموزش و پرورش است. در واقع آنچه اینها در این سند توسعه‌ی پایدار -که از جمله این سند ۲۰۳۰ آدر آن هست- طراحي دارند میکنند و دست‌اندرکار هستند، این است که یک منظومه‌ی فکری و فرهنگی و عملی برای همه‌ی دنیا دارند جعل میکنند. این را چه کسی میکند؟ دستهایی پشت سازمان ملل وجود دارد؛ یونسکو اینجا یک وسیله است، یک ویتترین است؛ دستهایی نشسته‌اند، دارند برای همه‌چیز کشورهای دنیا و همه‌ی ملت‌ها یک منظومه تولید میکنند؛ منظومه‌ای که شامل فکر است، شامل فرهنگ است، شامل عمل است و این را دارند ارائه میدهند و ملت‌ها باید همه بر طبق این، عمل کنند. یک بخش آن هم بخش آموزش و پرورش است که همین سند ۲۰۳۰ است. خب این غلط است؛ این غلط است؛ اصلاً این معیوب است؛ این حرکت، حرکت معیوبی است. چرا؟ چه کسانی هستند اینهایی که دارند سند توسعه‌ی پایدار را فراهم میکنند؟ چه حقی دارند که درباره‌ی کشورها، درباره‌ی ملت‌ها، درباره‌ی ستهایشان، درباره‌ی عقایدشان، اظهار نظر کنند که باید این‌جوری کنید، باید آن‌جوری کنید؛ همه‌ی اینها هم «باید» است. اینکه میگویند الزام نیست، این سطحی‌نگری است؛ نخیر، در واقع، همه‌ی اینها الزام است، و هر کدام از اینها که تحقق پیدا نکند، بعد به‌عنوان یک نقطه‌ی منفی به‌حساب خواهد آمد که «در فلان جدول، ته جدول قرار میگیرید؛ فلان امتیاز از شما سلب میشود!» همه‌ی اینها این‌جوری است؛ در واقع همه‌ی اینها «باید» است، ولو در ظاهرش «باید» نباشد. چه لزومی دارد؟ خب ما از چند سال قبل از این آمدیم گفتیم «الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت»؛ بنده کلمه‌ی توسعه را هم عمداً به کار نبردم. آقایانی که مسئول این کار هستند و از آن وقت ما با اینها ارتباط داریم، میدانند؛ بنده عمداً گفتم کلمه‌ی توسعه را من به کار نمیبرم، چون کلمه‌ی توسعه یک کلمه‌ی غربی است؛ یک مفهوم غربی دارد؛ من کلمه‌ی پیشرفت را به کار می‌برم؛ الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی. خب این الگو را بگردیم پیدا کنیم! چرا باید برای پیشرفت ما، دستهای غربی الگو</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		۱- احساس مسئولیت انسانی	<p>بدهند به صورت همین سند توسعه‌ی پایدار یا ۲۰۳۰ و امثال اینها؟ اینها کار کیست؟ کار شماست، کار دانشگاه‌ها است، کار اساتید است.</p> <p>ببینید، برادران و خواهران عزیز! دانشگاه، به شکل غربی دانشگاه یعنی همین که امروز ما داریم -البته ما از گذشته‌ی خودمان خیلی خبر نداریم؛ نمیدانیم آن دانشگاه‌ها یا مدارس که امثال خواجه‌نصیرها و ابن‌سیناها و خوارزمی‌ها و خیام‌ها و میردامادها و شیخ‌بهائی‌ها را تربیت کرد، چه‌جوری بوده؛ متأسفانه اطلاع درستی از آن نظام‌های آموزشی و به یک معنا [نظام‌های] دانشگاهی قرن‌های گذشته‌ی خودمان نداریم؛ جزو کم‌کاری‌های ما، یکی این است -که به‌وسیله‌ی غرب ابداع شد و به‌همه‌ی کشورهای دنیا از جمله به کشور ما هم صادر شد.</p> <p>سه جنبه‌ی مهم در این دانشگاه به این شکل، وجود دارد: یک جنبه، این است که مرکز علم است؛ یک جنبه، این است که مرکز نوآوری و نگاه نو به مسائل است، چون مجموعه‌ی جوانند، نگاه نوآور به مسائل، نوظبی، نوآوری [وجود دارد]، دانشگاه مرکز این است؛ یک جنبه‌ی دیگر جنبه‌ی اثرگذاری در محیط کشور و محیط جامعه است. دانشگاه جزو اثرگذارترین مراکز در مجموعه‌ی کشورها [است]؛ در همه‌ی جوامع این جور است و مخصوص کشور ما هم نیست که اثرگذار است؛ حالا این اثرگذاری، یا به‌وسیله‌ی کارهای فرهنگی و نوشتن و تولید فرهنگی است، یا به‌وسیله‌ی کارهای سیاسی است، یا به‌وسیله‌ی کارهای مبارزاتی است؛ انواع و اقسامی دارد این اثرگذاری. این سه جنبه‌ی دانشگاه است.</p> <p>از روزی که دانشگاه در کشور ما به وجود آمده است، عوامل سلطه‌گر -که بر سیاست‌های کشور مسلط بودند، کاملاً تسلط داشتند بر همه‌ی ابعاد کشور و زوایای کشور؛ هم اطلاع داشتند، هم نفوذ داشتند، هم هر کار میخواستند میکردند - در مورد جنبه‌ی اول از سه جنبه‌ی دانشگاه، کارشان عبارت از این بود که نگذارند در جنبه‌ی علمی، ما به یک حرکت طبیعی متناسب با استعداد ایرانی برسیم؛ دست پیدا نکنیم. اینها شواهد دارد، اینها حرفهایی است که سند دارد، شاهد دارد که بعداً، مختصراً عرض خواهیم کرد. در مورد جنبه‌ی دوم که جنبه‌ی نوآوری است، آن را بکلی در اختیار گرفتند؛ یعنی کاملاً تسلط بر آن جنبه پیدا کردند. در مورد جنبه‌ی سوم، سعی کردند اثرگذاری دانشگاه بر محیط خارج را مدیریت کنند؛ حالا انواع و اقسام شکلهای مدیریت؛ چه از طریق دستگاه‌های فرهنگی وابسته‌ی به خودشان، چه حتی از طریق دستگاه‌های امنیتی، سعی کردند مدیریت کنند؛ یعنی در واقع یک سلطه‌ی همیشگی، دائمی، به‌طور نامحسوس - در مواردی هم محسوس - بر دانشگاه ما وجود داشته از همه‌ی این سه جهتی که مورد نظر است.</p> <p>اما در آن جنبه‌ی اول، که گفتیم جنبه‌ی علمی است و سعی کردند [آن را] تضعیف کنند، معنایش این است که متاع علمی‌ای که به دانشگاه‌های ما داده شد، متاع دست‌دوم بود، علم کهنه و از کار افتاده بود؛ یعنی غربی‌ها، پیشرفتهای مهم علمی را هرگز منتقل نکردند؛ حالا ما کشور خودمان را خبر داریم؛ قاعدتاً کشورهای شبیه کشور ما - که تحت نفوذ و زیر سلطه بودند - همه از همین قبیلند. فرض بفرمایید علوم جدید، دانشهای جدید، دانشهای نو را که با پیشرفتهای علمی به آنها میرسیدند، هرگز به دانشگاه‌های کشوری مثل کشور ما منتقل نکردند، [بلکه] چیزهایی را که از آن طراوت و نوبی خارج شده بود منتقل کردند. این هم البته دلایلی داشت؛ این امر که همین علوم کهنه را یا همین فناوری‌های قدیمی را چرا وارد این کشور و کشورهای شبیه ما کردند، دلایلی داشت. آن وقتی که رقیب برای استعمار غربی پیدا شد، اثر «پیدا شدن رقیب» در کشورهایی که با آن رقیبها ارتباط داشتند ظاهر شد. فرض بفرمایید حکومت کمونیستی که رقیب نظام سلطه‌ی مستقر تا آن زمان بود - یعنی رقیب انگلیس و آمریکا و بقیه - وقتی سر کار آمد، برای اینکه حوزه‌ی نفوذ خودش را توسعه بدهد، کشوری مثل هند را و دانشگاه هند را مجهز کرد به برخی از علوم که غربی‌ها هرگز تا آخر حاضر نبودند بدهند؛ یا واضح‌تر، کشوری مثل چین را مجهز کرد به دانشهایی و به فناوری‌هایی که امکان نداشت از طریق غربی‌ها به آنها دست پیدا کنند؛ برای اینکه رقابت سیاسی بود، توسعه‌ی نفوذ بود. چینی‌ها مسئله‌ی هسته‌ای را از روس‌ها فراگرفتند؛ هندی‌ها مسئله‌ی هسته‌ای را از روس‌ها - از شوروی سابق - فراگرفتند. اینها چیزهایی نبود که امکان داشته باشد نظام دانشگاهی و علمی غرب، اینها را به کشورهایی مثل چین یا مثل هند و به‌طریق‌اولی مثل ما منتقل کند. بنابراین از لحاظ علمی،</p>
		۲- احساس مسئولیت ملی	
		۳- احساس مسئولیت دینی	
		۴- احساس مسئولیت اجتماعی	
		۵- احساس مسئولیت بین‌المللی	
		۶- نگاه نقادانه، دغدغه مند و آرمان‌گرایانه به مسائل کشور:	
		۱-۶- روحیه سؤال کردن	
		۲-۶- امر به معروف، نهی از منکر	
		۳-۶- مطالبه جدی آرمان‌ها و ارزش‌ها	
		۷- مایوس نشدن از شکست‌های مقطعی	
		۸- توجه به دستاوردها و موفقیت‌ها:	
		۱-۸- احساس سرافرازی به انقلاب	
		۲-۸- اقتدار و اعمال نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا	
		۳-۸- محقق نشدن خواسته‌های آمریکا و همراهانش	
		۴-۸- پیشرفت‌های گوناگون	
		۹- تاثیرپذیرفتن از تبلیغات منفی دشمن:	
		۱-۹- شگرد القای ناتوانی و شکست	

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		۹-۲- همصدایی عده‌ای در داخل با دشمن ۱۰- بر خورد قاطع و خصمانه با دشمن خارجی و طیبانه و دلسوزانه با دوستان داخلی: ۱۰-۱- آزادی در برخورد صریح و بدون رنگ و روغن‌های دیپلماسی با دشمن خارجی ۱۱- توجه به دانش - نه فعالیت سیاسی - به عنوان رکن اساسی دانشگاه: ۱۱-۱- دانشگاه محل تولید علم و عالم و جهت دهی درست به علم و عالم: ۱۱-۱-۱- ابزار بدبختی شدن علم و عالم در تمدن مادی: ۱۱-۱-۱-۱- تولید بمب اتم ۱۱-۱-۱-۲- تولید سلاح شیمیایی ۱۱-۱-۱-۳- تولید ویروس‌های خطرناک ۱۲- توصیه‌ها به شکل‌های دانشجویی: ۱۲-۱- تاکید بر حفظ آرمان‌ها: ۱۲-۱-۱- رسیدن به جامعه عادل ۱۲-۱-۲- رسیدن به جامعه آزاد ۱۲-۱-۳- رسیدن به جامعه پیشرفته ۱۲-۱-۴- رسیدن به جامعه مؤمن و متعبد ۱۲-۱-۵- رسیدن به جامعه مرقه ۱۲-۱-۶- رسیدن به جامعه متحد ۱۲-۱-۷- رسیدن به جامعه قوی و مستحکم ۱۲-۱-۸- رسیدن به جامعه مستقل	<p>هرگز این جور نبود که اجازه بدهند یا کمک کنند یا تسهیل کنند که دانشگاه‌های مَثَل کشور ما که زیر نفوذ بود و زیر سلطه بود به یک معنا، پیشرفت علمی بکنند، بلکه حتی ضربه هم زدند؛ یعنی اگر استعداد برجسته‌ای را در این دانشگاه‌ها پیدا کردند، جذب کردند، بردند در خدمت خودشان قرار دادند. و این وضعیت وجود داشت؛ سالهای متمادی در دوران پهلوی این وضعیت وجود داشت.</p> <p>آن جنبه‌ی دوم را که گفتیم جنبه‌ی نوآوری است، کاملاً قبضه کردند؛ یعنی دانشگاه شد محل انتقال ارزشهای غربی به جامعه؛ یعنی در زمینه‌های گوناگون، مظهر ارزشهای غربی و معتقد به ارزشهای غربی شد؛ یعنی روی این کار کردند، این بخش را به معنای واقعی کلمه در دانشگاه‌ها قبضه کردند.</p> <p>در آن جنبه‌ی سوم هم عرض کردیم که مدیریت کردند؛ سعی کردند مدیریت کنند؛ یک جاهایی با زبان، یک جاهایی با پول و با رشوه، با دادن سمتهای مختلف، یک جاهایی هم با زور. ساواک ایران به وسیله‌ی نیروهای آمریکایی و اسرائیلی تجهیز شد برای اینکه دانشجوی معترض را از اعتراض خودش منصرف بکنند؛ و کردند، این کار را انجام هم میدادند. خوب، پس دانشگاه وضعیت این بود؛ یعنی این‌جوری دانشگاه در کشور ما پیش رفت.»</p> <p>- «در ادبیات سیاسی ما یک کلیدواژه‌ی مهمی وجود دارد به نام «نظام سلطه»؛ این کلیدواژه، خیلی پرمغز و پرمعنا است؛ نظام سلطه یعنی چه؟ می‌خواهم یک مرور سریعی بکنم به گذشته و ریشه‌ها، تا برسیم به وضع امروزمان.</p> <p>نظام سلطه یعنی یک نظام دوقطبی جهانی بین کشورها؛ یک دوقطبی واضح و روزافزون بین کشورها؛ این نظام سلطه است. یک قطب، قطب مسلط است؛ یک قطب، قطب زیر سلطه است. این شد نظام دو قطبی. عرض کردم که ذیل این کلمه و این کلیدواژه، حرفهای گفتنی زیادی وجود دارد؛ بنده هم در خلال این سالها گاهی یک صحبت‌هایی کرده‌ام؛ لکن شما دانشجویها وقتی بنشینید و در گردهمایی‌های فکری و تحلیلی فکر کنید، میتوانید حرفهای بیشتر و بهتری ذیل این کلیدواژه پیدا کنید. به‌رحال دو دسته کشور در دنیا به وجود آمد - که [این] مربوط به مثلاً دو سه قرن پیش به این طرف است - کشورهای مسلط و کشورهای زیر سلطه. کشورهای مسلط، البته عمدتاً یا عموماً کشورهای اروپا بودند. حالا دلایلی هم دارد که چرا و چگونه شد که این کشورها شدند کشورهای مسلط؛ چه خصوصیتی وجود داشت که به اینجا منتهی شد؛ آیا از لحاظ خلقت، اینها مثلاً یک امتیازی دارند؟ از لحاظ ذهنیت، اینها یک برتری‌ای دارند؟ یا نه، یک عواملی پیش می‌آید و یک بخشی از دنیا یا یک کشوری از کشورهای دنیا یک رجحانی بر دیگران پیدا میکند. بالاخره دلایلی دارد که حالا نمی‌خواهیم وارد آن دلایل بشویم؛ یعنی بحث ما این نیست. به‌رحال این اتفاق افتاد: کشورهای مسلط و کشورهای زیر سلطه.</p> <p>خب، یک دوگانه‌هایی به وجود آمد، [از جمله] دوگانه‌ی پیشرفت و توقف؛ یعنی کشورهای مسلط همین‌طور مدام پیشرفته‌های روزافزون با سرعت روزافزون پیدا کردند - یعنی سرعت پیشرفتشان هم مدام زیاد شد - و کشورهای زیر سلطه متوقف شدند و عقب‌گرد کردند. در این، نکته‌ی مهمی وجود دارد. تصور نشود که کشورهای زیر سلطه، یعنی کشورهای آسیایی یا آفریقایی یا بعضی از کشورهای آمریکای لاتین که زیر سلطه بودند، اینها از اول همین‌طور مثلاً بدون علم و بدون فرهنگ و بدون تمدن بودند؛ نه، این‌جوری نیست. شما ملاحظه کنید این کتاب نگاهی به تاریخ جهان نهر و راه؛ نهر و شرح میدهد که وقتی انگلیس‌ها وارد هند شدند، هند از صنعت برخوردار بود؛ صنعت پیشرفته به‌حسب آن زمان - این را نهر و در نگاهی به تاریخ جهان ذکر میکند - یعنی محصولات پیشرفته‌ی صنعتی آن روز را داشت؛ کشورهای دیگر هم همین‌جور. انگلیسی‌ها وقتی وارد هند شدند، جلویش را گرفتند؛ یعنی کاری کردند که اصلاً صنعت بومی هند متوقف بشود و عقب‌گرد کند تا نیاز پیدا کنند به صنایع وارداتی و تولیدات انگلیسی؛ اصلاً برنامه‌ریزی کردند برای این. در همه‌جا این اتفاق افتاد. در ایران هم همین اتفاق افتاد. البته فرق ایران و هند و بعضی جاهای دیگر این است که در ایران استعمار رسمی‌ای وجود نداشت؛ نفوذ بود، استعمار</p>

۱. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۱۳۹۶/۰۳/۳۱

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
		۱۲-۲- تاکید بر واقع‌بینی به معنای دیدن واقعیت‌های مثبت و پیدا کردن راه‌حل برای موانع:	نمود؛ [اما] در هند، استعمار رسمی بود. دوگانه‌ی ابتکار و تقلید؛ یعنی کشورهای مسلط، هر روز یک ابتکار جدیدی در زندگی، در علم، در امکانات به وجود آوردند؛ [اما] کشورهای زیر سلطه، بدون اینکه هیچ ابتکاری را از خود بروز بدهند یا به آنها امکان چنین چیزی داده بشود، همین‌طور مرتب تقلید کردند؛ مرتب آنها ابتکار کردند، اینها نگاه کردند و تقلید کردند.
		۱۲-۲-۱- جمعیت جوان	دوگانه‌ی استقلال و وابستگی، استقلال سیاسی و وابستگی؛ کشور کوچکی مثل انگلیس مستقل بود، یک دریای با عظمتی مثل شبه‌قاره‌ی هند - شامل هند و پاکستان و بنگلادش بعدی- تحت نفوذ آن و وابسته‌ی سیاسی بود. یا یک کشوری مثل ایران با این سابقه‌ی فرهنگ، از لحاظ سیاسی وابسته بود - چه در اواخر دوره‌ی قاجار، چه در دوره‌ی پهلوی- وابسته‌ی به چه؟ مثلاً فرض کنید به یک کشور کوچکی مثل کشور انگلیس. یعنی یک دوگانه‌ی این‌جوری هم به وجود آمد؛ استقلال سیاسی و وابستگی سیاسی.
		۱۲-۲-۴- استعداد فوق‌العاده ملت	اعتماد به نفس و انفعال؛ این هم یک دوگانه‌ی دیگر است. کشورهای مسلط، اعتماد به نفس داشتند، حرف می‌زدند، توقع می‌کردند، دنیا را متعلق به خودشان میدانستند؛ [اما] این مجموعه‌ی زیر سلطه که البته خیلی هم از لحاظ کمیت بیشتر بودند، اینها دچار انفعال، دچار وادادگی و ضعف نفس بودند.
		۱۲-۲-۵- امکانات زیرزمینی	صدور جهان‌بینی و فرهنگ و رسوم و عادات؛ یکی از به‌اصطلاح لوازم و تبعات این نظام سلطه، این است که آن کشورهایی که ابتکار دارند، پیشرفت دارند، اعتماد به نفس دارند؛ عادات خودشان و رسوم خودشان و جهان‌بینی خودشان را منتقل می‌کنند به کشورهای زیر سلطه؛ اینها هم از آنها قبول می‌کنند؛ به‌صورت کتاب، به‌صورت تحقیقات و انواع و اقسام [دیگر] که اینها هر کدام شواهد تاریخی واضح و روشنی دارد که [اگر] اهل مطالعه باشید و اینها را دنبال کنید، کاملاً پیدا می‌کنید.
		۱۲-۲-۶- موقعیت مناسب جغرافیایی	آن‌وقت علاوه بر همه‌ی اینها، برنامه‌ریزی برای ادامه‌ی همین حالت. یعنی آن کشورهایی که مسلط بودند، برنامه‌ریزی علمی دقیقی کردند برای اینکه این حالت ادامه پیدا کند؛ یعنی ابدی بشود؛ تغییرپذیر نباشد. یک همچنین حالتی در دنیا به وجود آمد. این وضعیت دنیا در این دو سه قرن اخیر بوده.
		۱۲-۲-۷- پیشرفت‌های جمهوری اسلامی	البته در این میان، حوادثی اتفاق افتاده و بعضی از کشورها توانستند خودشان را از این منجلا ب نجات بدهند؛ البته نه به‌طور کامل، لکن در بخشی؛ مثلاً فرض کنید کشور ایالات متحده آمریکا که تحت سلطه انگلیس و تحت استعمار انگلیس بود، توانست از لحاظ سیاسی و اقتصادی، خودش را نجات بدهد اما از لحاظ فرهنگی، نه؛ از لحاظ فرهنگی کاملاً تحت تأثیر و منفعل در مقابل اروپا بود و همان‌طور هم ادامه پیدا کرد و تا امروز هم ادامه پیدا کرده. یا مثلاً کشوری مثل هند، از لحاظ سیاسی توانست خودش را نجات بدهد یا از لحاظ اقتصادی توانست تا حدود زیادی خودش را بیرون بکشد اما از لحاظ فرهنگی، نه؛ از لحاظ فرهنگی نتوانست خودش را نجات بدهد؛ که حالا چیزهایی وجود دارد. بنده در یکی از شهرهای هند، وسط میدان دیدم یک مجسمه‌ای است. پرسیدم این مجسمه‌ی چه کسی است؟ گفتند این مجسمه‌ی سردار انگلیسی است که بر این شهر حکومت می‌کرده. پناه بر خدا! چرا مجسمه‌ی یک ظالمی را که شما سالها مبارزه کردید و اینها را بیرون کردید، حالا اینجا نصب کرده‌اید؟ مجسمه‌اش آنجا بود؛ شاید الان هم هست؛ در یکی از استانهای جنوبی هند. در آفریقا هم شبیه همین را من دیدم. در یکی از کشورهای آفریقایی، وسط یک جنگل خیلی توریستی - از جنگلهایی بود که ما را برای بازدید به آنجا بردند- آنجا هم دیدم یک مجسمه‌ای است؛ گفتم چه کسی است این؟ گفتند این کسی است که حاکم مثلاً انگلیسی بر این کشور بوده؛ اسمش هم آنجا هست، جنگل هم به اسم او است! [یعنی] از لحاظ فرهنگی نتوانستند خودشان را نجات بدهند. این وضع دنیا است.
		۱۲-۲-۳- تقویت گفتمان‌های اصلی	خب انقلاب ما، و جمهوری اسلامی در مقابل یک چنین وضعی سینه سپر کرد و توانست ایران را از این منجلا ب، به‌طور کامل بیرون بیاورد؛ این مهم است. نگوید: «چطور شما می‌گویید به‌طور کامل! هنوز خیلی از عناصر فرهنگی غربی بر کشور ما حاکم است»؛ بله، [اولی] اینها تخلفات است؛ انقلاب رسماً خودش را از لحاظ جهان‌بینی، از لحاظ فکر، از لحاظ فرهنگ، از لحاظ اقتصاد، از لحاظ سیاست، از لحاظ همه‌ی شئون مدیریت کشور، در مقابل غرب قرار داد. این «ه شرقی، نه غربی» که امام به‌عنوان شعار جمهوری اسلامی اعلام کرد، معنایش این بود؛ هیچ‌گونه تأثری از
		۱۲-۳-۱- گفتمان عدالت	
		۱۲-۳-۲- گفتمان اقتصاد دانش‌بنیان و مقاومتی	
		۱۲-۳-۳- گفتمان پیشرفت ایرانی اسلامی	
		۱۲-۳-۴- گفتمان شتاب در یافته‌های علمی	
		۱۲-۴-۱- تشکیل جبهه واحد ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی	
		۱۲-۴-۲- تشکیل کمپین‌های عمومی دنیای اسلامی در ضدیت با سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی	
		۱۲-۴-۳- به وجود آوردن جمعیت عظیم دانشجویی در دنیای اسلام در فضای مجازی	
		۱۲-۵- صریح بودن و تقیه نکردن در دفاع از نظام اسلامی	
		۱۲-۶- گسترش اردوهای جهادی	

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
	۱۲-۷- دنبال کردن سبک زندگی اسلامی - ایرانی در اندیشه و عمل		سلطه ندارد. البته بله، [مثل] قانونی است، گذاشته میشود، اولی [یک جایی هم در این قانون تخلف میشود؛ این یک حرف است؛ اما قانون نبودن و عکسش قانون بودن، یک حرف دیگر است؛ در جمهوری اسلامی [این] قانون شد؛ تخلص و بیرون آمدن از همه‌ی آن چیزهایی که در نظام سلطه بر یک کشور سلطه‌پذیر و تحت سلطه تحمیل میشود، قانون قطعی و یقینی شد.
	۱۲-۸- تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه		و جمهوری اسلامی توانست مقاومت بکند، توانست ایستادگی بکند. یعنی واقعاً از همه‌ی ابزارها علیه جمهوری اسلامی استفاده شد. به قول این دوستان عزیز و جوانهای عزیز - که راجع به این حادثه‌ی امروز صحبت کردند و خیلی خوب صحبت کردند- نسل امروز و تهرانی امروز هم ببیند که ترور یعنی چه؛ حرکت تروریستی چیست؛ چه جوری میشود که دو نفر، سه نفر، پنج نفر به‌طور بی‌گناه مثلاً در یک حادثه‌ی کشته می‌شوند و آنهایی که حمله میکنند چه کسانی هستند. این وضعیت دو سه سال در کشور به‌صورت وسیع و همه‌جایی استمرار داشت و حاکم بود. از این وسیله استفاده کردند، از جنگ استفاده کردند، از کودتا استفاده کردند، از تبلیغات استفاده کردند، از تحریم استفاده کردند، از همه‌ی وسایل علیه این نظام، این انقلاب، این حرکت عظیم استفاده کردند، لکن موفق نشدند؛ انقلاب موفق شد، خودش را پیش برد، خودش را [به وضع جهان] تحمیل کرد، نظام اسلامی را به وجود آورد.
	۱۲-۹- آتش به اختیار بودن همه هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در مواقع لزوم:		بعضی‌ها زمزمه میکنند «نظام ناکارآمد است»؛ چرا؟ چون فلان وزارتخانه بد عمل کرده؛ نه، اگر نظام ناکارآمد بود، تا حالا ده بار بلعیده شده و از بین رفته بود. بزرگ‌ترین دلیل کارایی این نظام، خود وجود این نظام و ماندن این نظام است. اینکه یک نظام بایستد، حرفش را صریح بزند، هیچ ملاحظه‌ای نکند، موضع قاطع خودش را با صراحت در دنیا اعلام کند، با وجود اینکه دشمنی‌ها را هم میدانیم، نه اینکه غافل باشیم از دشمنی‌ها؛ نه، ارکان نظام و مجموعه‌ی مردمی و دولتی نظام میدانند، در عین حال می‌ایستند؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است، این خیلی حادثه‌ی عجیبی است؛ بزرگ‌ترین نشانه‌ی کارآمدی نظام این است که توانسته خودش را در همین جهت حفظ کند؛ حالا غیر از پیشرفتهای فراوانی که بعضی از برادرها اشاره کردند؛ یکی از توصیه‌های من هم همین است. جوان مؤمن حزب‌اللهی انقلابی فراموش نکند دستاوردهای نظام را. دستاوردهای نظام یکی دو مورد نیست، هزاران است. حالا مثلاً اشاره کردند، در کشوری که فرض بفرمایید از دکتر آن‌چنانی هندی و فیلیپینی استفاده میشده، امروز برترین متخصص‌ها، بهترین متخصص‌ها، برجسته‌ترین متخصص‌ها [وجود دارد]؛ حالا این یکی از گوشه‌ها است، از این قبیل موقیقت‌ها، ده‌ها و صدها وجود دارد که اینها جای توجه و دقت دارد.
	۱۲-۱۰- ۱-۱۰-۱۲- برپایی میزگرد سخنرانی		به‌هرحال، پس این انقلاب توانست به ما، هم هویت بدهد، هم آرمان بدهد؛ این مهم است. ما، هم هویت پیدا کردیم ما فهمیدیم چه کسی هستیم، فهمیدیم که ما مغلوب و هضم‌شده‌ی در هاضمه‌ی سیاست جهانی و نظام سلطه نیستیم؛ ما هستیم، ما خودمانیم؛ هویت و آرمان؛ به ما آرمان داد، آرمانهای فراوان که حالا اشاره میکنم.
	۱۲-۱۰-۲- نشریه		خب، این دایره‌ی معیوب شکسته شد، [لذا] یک مبارزه‌ی قهرآ شروع میشود. وقتی یک چنین وضعی پیش می‌آید، خب طرف مقابل چه کسانی هستند؟ آن روز در مرقد گفتیم؛ دولتهای قوی، قدرتهای توانا، جریانهای بسیار مؤثر؛ جریانهای سیاسی‌ای که امروز در اروپا بلکه در آمریکا دولتها را می‌آورند و می‌بزنند! دولت سر کار می‌آورند، دولت از کار می‌اندازند. این جریانها، همه در مقابل نظام جمهوری اسلامی صف‌آرایی کردند، توانایی‌های خودشان را آزمودند، ضربه‌های خودشان را زدند؛ یک مبارزه‌ی شروع شد، مبارزه‌ی سخت، نیمه‌سخت و نرم؛ مبارزات سخت و مبارزات نیمه‌سخت و مبارزات نرم. یکی از میدانهای این مبارزه هم دانشگاه بود.
	۱۲-۱۰-۳- بحث‌های دوفره و سنفره		دانشجو خواهی نخواهی وارد این میدان مبارزه شد، از روز اول! از دوران مبارزات؛ خب دانشجویها مشغول مبارزه بودند. از روزی هم که این نظام تشکیل شد و این انقلاب به پیروزی رسید، دانشگاه درگیر شد. مبارزه، خیلی‌ها را درگیر کرد اما یکی از مهم‌ترین مراکز، دانشگاه و دانشجو بود.
	۱۲-۱۰-۴- جلسات تحلیل		آن وقت دشمن بر روی دانشگاه و دانشجو متمرکز شد و اوایل انقلاب، ابر آن [مسلط شدند؛ یعنی دشمن سوار شد بر دانشگاه. خیلی از شماها خب آن وقت شاید در دنیا هم نبودید، دانشجو که قطعاً نبودید، اما بنده همان وقت‌ها هر هفته در دانشگاه تهران جلسه داشتیم. هر هفته من میرفتم مسجد دانشگاه تهران نماز و سخنرانی و پاسخ به سوالات؛ و دانشجویها جمع میشدند، سؤال میکردند، ابهام داشتند، حرف می‌زدند، ما هم جواب میدادیم؛ جنگ به‌معنای واقعی، و تیراندازی
	۱۲-۱۱- ۱-۱۱-۱۲- تبیین کلیدواژه‌های اصلی:		
	۱۲-۱۱-۲- مردمسالاری و نقش مردم در حکومت		
	۱۲-۱۱-۳- استقلال		
	۱۲-۱۱-۴- نفی نظام سلطه		
	۱۲-۱۱-۴- آزادی		
	۱۲-۱۱-۵- عدالت		
	۱۲-۱۲- تدین و تعبد در عمل و گفتار		
	۱۲-۱۳- شجاعت و سنجیدگی در اقدام		

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>[بود] داخل دانشگاه تهران به جوری شد که یکی از روزها که هفته‌ای یک بار دوشنبه‌ها یا یکشنبه‌ها میرفتم، وقتی که آدمم جلوی در دانشگاه، بعضی‌ها آمدند گفتند وارد نشوید، دانشگاه خطرناک است؛ چند نفر محافظ هم خود ما داشتیم، اینها هم گفتند نروید؛ گفتم نمیشود، من باید بروم دانشگاه، در مسجد لابد منتظر من هستند؛ آمدم وارد دانشگاه شدیم. خلوت! تیراندازی بود، همدیگر را میزدند؛ همین دانشگاه تهران! آمدم مسجد دانشگاه، دیدم هیچ خبری نیست، دانشجویها هم نیامده‌اند، ترسیده‌اند. دیدیم وقتی جوانها بترسند، ما [هم] به طریق اولی! برگشتیم؛ یک چنین وضعیتی در دانشگاه بود. واقعاً دانشگاه میدان جنگ شده بود؛ این تسلط دشمن بود. حالا چه کسانی بودند؟ چه‌ها بودند، طرف‌دارهای سلطنت هم بودند! اینهایی که همیشه در مقابل هم بودند، در مقابل انقلاب و نظام اسلامی و امام بزرگوار، دستشان در دست هم متحد شده بودند؛ باهم متفق بودند؛ بچه‌های ساواکی‌ها هم بودند -بالاخره ساواکی‌ها هم، زن و بچه و جوان و دانشجو داشتند؛ آنها هم بودند- چه‌های مارکسیست هم بودند؛ فدائیان خلق و مجاهدین و همینهایی که می‌شناسید و شنیده‌اید و شاید خوانده‌اید و مانند اینها، همه در مقابل مجموعه‌ی دانشجویان مسلمان [بودند].</p> <p>البته دانشجوی انقلابی مسلمان، دانشگاه را فتح کرد؛ این را شما بدانید. یعنی دانشجویان مسلمان، هم در مباحثات توانستند دانشگاه را فتح کنند، هم در مبارزات جنگی؛ یعنی در همین اتفاقاتی که افتاد، دانشجویها توانستند دانشگاه را فتح کنند؛ بعد هم که خب به تعطیلی دانشگاه و مانند اینها [انجامید]. منتها [بعد] در بین خود مجموعه‌ی دانشجوی مسلمان، یک اختلافاتی به وجود آمد. دانشجوی مسلمان، دانشگاه را فتح کرد، لانه‌ی جاسوسی را فتح کرد اما خودش از درون مغلوب شد! این به نظر من نکته‌ی قابل توجهی است. چرا؟ برای خاطر اینکه دچار ضعف تحلیل و ضعف محتوا بود؛ هیجانات بود، خیلی هم تند -بعضی از بچه‌های دانشجو در آن روز، ماها را که آن وقت تازه از زیر زندان و تبعید و این قبیل چیزها بیرون آمده بودیم، انقلابی نمیدانستند؛ یعنی در مقام قضاوت، ماها را تخطئه میکردند؛ همینهایی که الان هم هستند؛ حالا بعضی‌ها ایشان هنوز هم هستند؛ یعنی واقعاً آرتدکس [بودند]، یک انقلابی آرتدکس سفت و سخت، خیلی قرص و محکم -منتها آن ذهنیت، از محتوای لازم خالی بود، [لذا] در یک نقطه‌ی حساسی ضربه خورد. خب، حوادث زیاد است؛ دیگر من نمیخواهم مرور کنم، [فقط] خواستم یک اشاره‌ای بکنم به ریشه‌های حوادث دانشگاه.</p> <p>آنچه من میخواهم عرض بکنم این است که در این سالها، علیه دانشگاه و برای خارج کردن دانشگاه از این صحنه‌ی مبارزه خیلی تلاش کردند؛ علتش هم این است که دانشگاه مهم است. دانشگاه اگر در خدمت انقلاب باشد خیلی مهم است؛ از خیلی از قشرهای دیگر تأثیرش بیشتر است. اولاً همه جوانند، کم-تعلقند، آماده-به-کارند، ذهن فعالی دارند، فهمند؛ اینها خیلی نکات مهمی است؛ بعد هم بر روی محیط جامعه تأثیر دارند؛ یعنی دانشجوی انقلابی میتواند روی محیط پیرامونی خودش اثر بگذارد؛ اولش خانواده است، بعد مرتب‌بینند، بعد دوستان، و در محیط اجتماعی اثر میگذارد؛ لذا برای اینکه دانشگاه را از هویت انقلابی خالی کنند و خلاص بکنند، خیلی تلاش کردند، خیلی کار کردند، خیلی سیاست-ورزی کردند در این زمینه. متأسفانه از داخل خود ما هم در مواردی کمک شد به اینها که بتوانند دانشگاه را انقلاب-زدایی کنند؛ یعنی روحیه‌ی انقلابی، روحیه‌ی حزب‌اللّهی، روحیه‌ی مبارزه از محیط دانشجویی گرفته بشود. اینها مقدمه بود.</p> <p>من میخواهم این را عرض بکنم به شما، البته من میدانم همه‌ی مجموعه‌ی دانشجویان کشور با تنوعی که دارند -گروه‌هایی که در دانشگاه هستند، انگیزه‌ها، گرایشها- اینجا حضور ندارند؛ این را من میدانم. بنده بی-اطلاع نیستم از این وضعیتی که امروز در دانشگاه کشور وجود دارد، لکن خطاب من به مجموعه‌ی انقلابی و علاقه‌مند به مسائل انقلاب است؛ آنهایی که انقلاب را دوست دارند، آنهایی که به-معنای واقعی کلمه انقلاب اسلامی را وسیله‌ی نجات این کشور و تأمین آینده‌ی این کشور میدانند؛ خطاب من به آنها است. من میگویم شما دانشجویها باید خودتان را در صفوف مقدم این مبارزه حس کنید. یک مبارزه‌ای است، وجود دارد، تمام نشده، ممکن است حالاحالاها هم تمام نشود، ادامه داشته باشد؛ در صفوف مقدم این مبارزه باید خودتان را احساس کنید و قرار بدهید. صحنه‌ی درگیری را ببینید. یکی از اشکالات بزرگ این است که بعضی</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>درگیری را حس نمیکنند، صحنه‌ی درگیری را نمی‌بینند، نمیفهمند که ما درگیری داریم. ارتباط این مبارزه با خودتان را مدنظر داشته باشید. دانشجو باید احساس مسئولیت انسانی، احساس مسئولیت ملی، احساس مسئولیت دینی و اجتماعی و بین‌المللی بکند؛ این چیزی است که از دانشجو توقع می‌رود.</p> <p>نگاه دانشجو به مسائل کشور، بنده این نگاه نقادانه‌ای را که [اینجا] دانشجویان داشتند صددرصد تأیید میکنم. البته ممکن است بعضی نقدها را وارد ندانم؛ چه آنچه مربوط به دستگاه‌های قوه‌ی مجریه است، چه آنچه مربوط به قوه‌ی قضائیه است، چه آنچه مربوط به دفتر رهبری است. ممکن است بعضی وارد باشد، بعضی وارد نباشد، لکن نفس این نگاه نقادانه را من صددرصد تأیید میکنم. من میگویم این نگاه نقادانه و دغدغه‌مند، از دانشجو و محیط دانشگاه نباید گرفته بشود. هم نقادانه، هم آرمان‌گرایانه؛ باید دنبال آرمانها باشند. روی کاستی‌ها و کژی‌ها علامت سؤال بگذارند؛ دانشجو باید کاستی‌ها را ببیند، کجی‌ها را ببیند، عیوب را ببیند و سؤال کند. حالا ممکن است طرف، برای جواب ندادن به این سؤال یک عذر موجهی داشته باشد، لکن این موجب نمیشود که شما سؤال نکنید؛ شما سؤال کنید. روحیه‌ی سؤال کردن، امریه-معروف، نهی-ازمنکر، مطالبه‌ی جدی آرمانها و ارزشها در دانشجو، روحیه‌ی قابل قبول است.</p> <p>از شکست‌های مقطعی هم دانشجو نباید مأیوس بشود؛ این را توجه داشته باشید؛ اینکه حالا یک جایی ما گفتیم اولی‌اش نشد، در یک جایی فلان مقصود را داشتیم اولی‌اش تحقق پیدا نکرد؛ مطلقاً بایستی اجازه ندهید که یأس و ناامیدی بر شما غالب بشود. اگر بنا باشد که انسان از شکستها مأیوس بشود، ما صد بار باید در دوران مبارزه و صد بار باید در جنگ هشت‌ساله‌ی تحمیلی مأیوس میشدیم، عقب‌نشینی میکردیم. شب می‌ریختند در خانه‌ی آدم، جلوی زن و بچه‌ی آدم، آدم را کتک میزدند، دستبند به دست آدم میزدند، بعد هم میبردند آدم را، یا از اینها بالاتر. اگر بنا باشد که انسان از ضربه خوردن و به قول این دختر عزیزمان از کتک خوردن مأیوس بشود، ناراحت بشود، پس در آن دوره‌ی مبارزه، آنهایی که مبارزه میکردند باید مأیوس میشدند، [ولی] مأیوس نشدند؛ اگر مأیوس میشدند، مبارزه به پیروزی نمیرسید. در جنگ هم همین‌جور؛ در جنگ، بارها آن چیزی که ما تصور میکردیم و پیش‌بینی میکردیم تحقق پیدا نکرد. فرض کنید در عملیات رمضان تصور میکردیم که عملیات پیش خواهد رفت، تابستان هم بود، هوا هم گرم بود، ماه رمضان هم بود، عده‌ی زیادی از بچه‌های ما شهید شدند، عملیات هم شکست خورد. مأیوس شدیم؟ مأیوس شدند؟ در کربلای ۴ همین‌جور، در والفجر مقدّماتی همین‌جور. در والفجر مقدّماتی یک جمعیت عظیمی از بسیجی‌ها رفتند جبهه، یک منطقه‌ای را هم معین کرده بودند، تقریباً مطمئن هم بودیم که در این عملیات ما پیش خواهیم رفت و موفق خواهیم شد -عملیات، جلوی عماره‌ی عراق بود- عملیات لو رفته بود، به شکل عجیبی شکست خورد. اگر بنا بود انسان با شکست و با عقب‌نشینی مقطعی و مانند اینها مأیوس بشود که هیچ چیز به سامان نمیرسید. نخیر! یأس به -خاطر ناکامی‌های مقطعی و موقت، مطلقاً در زندگی‌تان راه نداشته باشد.</p> <p>یک نکته‌ی دیگر [نیز] که این را قبلاً هم اشاره کرده‌ام؛ مجموع دستاوردها و موفقیت‌هایی که بعضی‌شان واقعاً بی‌نظیرند، همیشه در مدنظرتان باشد؛ یعنی احساس سرافرازی کنید به -خاطر انقلاب. ببینید عزیزان من! امروز سیاست‌های بزرگ‌ترین قدرتهای دنیا، در منطقه‌ی غرب آسیا به گل نشست، پیش نرفته؛ خود آنها میگویند به -خاطر اعمال نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی است؛ این خیلی مهم است. بنا بود هر بلاتی که میخواستند سر عراق یا سر سوریه یا فلان -[کشور] دربیاورند و نتوانستند. خب این خیلی مهم است؛ این همان چیزی است که شما میخواستید؛ این همان چیزی است که انقلاب میخواست. خواسته‌ی انقلاب تحقق پیدا کرد، خواسته‌ی آمریکا و هم‌راهان آمریکا -نه فقط آمریکا- تحقق پیدا نکرد. این یک نمونه است و از این قبیل پیروزی‌های زیاد، توانایی‌های زیاد، پیشرفتهای زیاد هست؛ اینها را هیچ‌وقت از یاد نبرید. یکی از شگردهای دشمن این است که بگوید شما نمیتوانید، شما شکست خوردید، از شما کار برنمی‌آید، تمام شدید، رفتید؛ این یکی از شگردهای دشمن است. این شگرد را به هیچ‌وجه نپذیرید. البته در داخل هم کسانی هستند که همان خواسته‌ی دشمن را با صدای بلند در اینجا بیان میکنند، به زبان می‌آورند؛ هستند کسانی از این قبیل که همان چیزی را که دشمن میخواست در ذهنیت جامعه به وجود بیاید، همان را اینجا با صدای بلند در روزنامه، در غیر روزنامه و در فضای مجازی -حالا که</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>فضای مجازی هم هست- بیان میکنند. من عرض میکنم که بنابراین، من آن دغدغه داشتن، آن همداردهی، آن طلبکارانه در مسائل و مشکلات نظام و نواقص وارد شدن را صددرصد تأیید میکنم.</p> <p>این را البته در حاشیه عرض میکنم که نوع برخورد با مشکلات درون نظام، باید علاج‌جویانه و طبیعانه باشد. طبیب، گاهی اوقات به مریض خودش هم ممکن است تشر بزند، یک حرف تلخی هم بزند، اما مقصودش معالجه‌ی او است. در مقابله‌ی با دشمن، نوع برخورد باید قاطع و صریح و طبق برخورد خود او - که خصمانه است - خصمانه باشد؛ اما در داخل و با نظام، نه؛ دلسوزانه، علاج‌جویانه و مانند اینها. البته شما در برخورد با دشمن خارجی در حرف زدن و در موضع گرفتن و مانند اینها آزادید. حالا البته در زمینه‌های دیپلماسی یک رنگ‌وروغن‌های دیپلماسی لازم است، آن به عهده‌ی دیپلمات‌ها، آنها هر کار خواستند [بکنند] و بروند هر جور میخواهند رنگ‌وروغن بزنند؛ [اما] شما به عنوان دانشجو، به عنوان مجموعه‌های دانشجویی، حرفتان را صریح و قاطع و با صدای بلند بیان کنید.</p> <p>یک نکته‌ی مهم را من در مورد دانشگاه بگویم که فراموش نشود؛ و آن [این است] که دانشگاه محل دانش است. معنای این حرفهایی که ما زدیم، این نیست که دانشگاه دیگر محل دانش نیست [و فقط] محل فعالیت سیاسی است؛ نه، رکن اساسی دانشگاه، دانش است. یعنی چه؟ یعنی در دانشگاه باید هم علم تولید بشود، هم علم تولید بشود، هم علم و علم جهت درست پیدا کند؛ این سه نکته‌ی اساسی در دانشگاه باید باشد. تربیت علم که من از آن تعبیر میکنم به تولید علم، و تولید علم که همان چیزی است که سالها است تکرار میکنیم؛ یعنی خطوط مرزی علم را شکستن و جلو رفتن که این کاری است که ما در کشورمان هنوز نتوانسته‌ایم آن‌چنان که شایسته‌ی نظام جمهوری اسلامی است به آن برسیم؛ البته کارهایی شده، لکن عقیبیم. باید بتوانیم از لحاظ علمی جلو برویم؛ وقتی علم جلو رفت، آن وقت فناوری هم جلو میرود؛ وقتی فناوری جلو رفت، تأثیر در زندگی می‌گذارد؛ وقتی فناوری جلو رفت، در دنیا چشمه‌ها به شما متوجه میشود و احساس نیاز میکنند؛ در زندگی انسانها تأثیر می‌گذارد؛ اینها مسائل بسیار مهمی است. تکیه‌ی بنده بر روی علم و فناوری و مانند اینها که همیشه میگویم، به خاطر این است؛ اینها فراموش نشود. همه‌ی مجموعه‌ی دانشگاه - مدیران دانشگاه، از وزیر محترم گرفته تا رؤسای دانشگاه‌ها، استادها، دانشجویها، متون درسی، فرآیندهای آموزشی، کارگاه‌ها و مانند اینها؛ همه‌ی اینها - باید در این چهارچوب قرار بگیرند؛ یعنی بایستی تولید علم، تولید علم و جهت‌دهی صحیح [صورت بگیرد]؛ این سوّمی را توجه داشته باشید: جهت‌دهی صحیح به علم و عالم. علم و عالم در تمدن مادی وسیله‌ی بدبختی انسان شد؛ وسیله‌ی تولید بمب اتم شد، وسیله‌ی تولید سلاح شیمیایی شد، وسیله‌ی تولید ویروس‌های خطرناکی شد که امروز متأسفانه قدرتمندها از طُرُق مختلف دارند آنها را در جسم و جان جوامع داخل میکنند؛ علم این‌جوری شد؛ علم منحرف شد؛ علم، در جهت درست، در جهت نفع، در جهت کمال انسان [باشد]. این راجع به دانشجو و مجموعه‌ی مسائل دانشجویی.</p> <p>اما راجع به تشکلهای. البته من که عرض میکنم، میدانم تشکلهای گوناگونی در دانشگاه وجود دارد؛ پارسال هم گفتم تشکلهای یکبارمصرف. بعضی‌شان یکبار مصرفند؛ [مثلاً] قبل از انتخابات تشکّل درست میشود. حالا نوع دیگری از تشکلهای هم وجود دارد که یکبارمصرف نیست اما برای معارضه‌ی با مجموعه‌ی انقلابی و مجموعه‌های متدین اصلاً به وجود می‌آید؛ با آنها کاری ندارم؛ من تشکلهایی را میگویم که تحت هر نامی، معتقد به انقلابند، معتقد به دینند، معتقد به نظام اسلامی اند، معتقد به این مبارزه‌ی عظیمند؛ تحت هر نامی که هستند فرق نمیکند؛ خطایم به آنها است. اولاً آرمان‌گرایی را فراموش نکنید آرمان‌گرایی را فراموش نکنید. آرمانها چیست؟ رسیدن به جامعه‌ی عادل، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ی پیشرفته، جامعه‌ی مؤمن، جامعه‌ی متعبد، جامعه‌ی مرفه، جامعه‌ی متحد، جامعه‌ی قوی و مستحکم، جامعه‌ی مستقل؛ اینها آرمان است. ارزش دارد که انسان جانش را در راه این آرمانها، برای خاطر خدا بدهد؛ برای همین آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی نساء که: <i>وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ</i>؛ این است دیگر؛ یعنی در راه نجات کشور، نجات مستضعفان، دستور قتال صادر شده. حالا البته آن آیه، آیه‌ی قتال است؛ این را توجه داشته باشند آن برادرمان که این آیه، آیه‌ی قتال است، آیه‌ی جهاد نیست؛</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>جهد، چیزی است؛ قتال، چیز دیگری است؛ بینشان عموم و خصوص مطلق است. بنابراین، این مبنای اسلام است، این جهت‌گیری اسلام است. باید در راه این آرمانها [حرکت کرد]. این آرمانهایی که گفتم -یک چنین جامعه‌ای- هدف شما است. آرمان‌گرایی را فراموش نکنید و واقع‌بینی؛ واقع‌بین باشید. بنده یک‌بار در جلسه‌ی مسئولین در ماه رمضان در همین‌جا گفتم، مدام به ما میگویند واقع‌بین باشید، واقع‌بین باشید؛ مرادشان از «واقع‌بین باشید» این است که موانع را ببینید؛ من میگویم واقع‌بین باشید، یعنی واقعیات مثبت را ببینید؛ جمعیت جوان راه، جمعیت بالاستعداد راه، توانایی‌های بشری فوق‌العاده راه، استعداد فوق‌العاده‌ی ملت راه، امکانات زیرزمینی راه، موقعیت جغرافیایی راه، پیشرفت جمهوری اسلامی راه؛ اینها را ببینید، اینها واقعیات است. پس اینها بخشی از واقعیات است که اینها را باید دید.</p> <p>یک بخش دیگر از واقعیات این است که شما وقتی آرمان‌گرا هستید و می‌خواهید به سمت این آرمان حرکت بکنید، باید توجه داشته باشید که این‌جوری نیست که انسان با معجزه خودش را به آرمان بتواند برساند؛ نه، مشکلاتی وجود دارد، موانعی وجود دارد؛ لایه‌لای این موانع باید راه را پیدا کرد؛ واقع‌بین یعنی این. شما حالا خب حرفهای خیلی خوبی زدید، موانع را مرتب شمردید؛ آیا لایه‌لای این موانع راهی وجود دارد برای اینکه شما پیش بروید یا نه؟ بگردید آن راه را پیدا کنید. من عرض بکنم قطعاً و یقیناً راه وجود دارد؛ بگردید آن راه را پیدا کنید. واقع‌بینی یعنی این، خب البته همه‌ی اینها بحثهای اندیشه‌ورزانه -یعنی به قول فرنگی‌مآب‌ها بحثهای تئوریک- نیاز دارد. اینهایی که عرض میکنم کارهایی است که باید کار اندیشه‌ورز دربارهاش کرد.</p> <p>توصیه‌ی سوم، تشکلهای نقش فعال داشته باشند و تماشاچی نباشند. تشکل نباید بنشینند، در یک حادثه‌ای که پیشرفتی هست اظهار خوشحالی کند، در یک حادثه‌ای که مثلاً پسرفتی هست احساس حزن و اندوه بکند؛ نه، باید فعال باشد، در هر دو جا باید فعال باشد؛ تماشاچی نباشد. تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه:</p> <p>توصیه‌ی بعدی؛ تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه. نگویید در دانشگاه دیگر نمیشود کاری کرد؛ شغفتم این را که بعضی‌ها میگویند که «آقا، دیگر در دانشگاه نمیشود کاری کرد»؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی میشود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد. چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما. شما تشکلهای هستید که در دانشگاه باید کار بکنید. البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً میگویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌بختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور میدهد، اما اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌بختیار میدهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید -قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید- آنجایی که احساس میکنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمیتواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌بختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید.</p> <p>گاهی اوقات انسان احساس میکند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلالند، دچار تعطیلند؛ واقعاً آدم گاهی اوقات احساس میکند. حالا مثلاً فرض بفرمایید این‌همه ما مسئله‌ی فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ده مسئله‌ی اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل است؛ فرض کنید مسئله‌ی سینما، یک مسئله‌ی مهم است، [یعنی] مسئله‌ی فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه‌جوری اداره میشود، از کجا پشتیبانی میشود -حالا پشتیبانی خارجی هم پیدا میکنند برای فیلم‌ها- اداره‌ی هنر کشور و سینما که چیز کوچکی نیست؛ مثلاً فرض کنید ده مسئله‌ی این‌جوری میشود پیدا کرد، [اما] ناگهان می‌بینید مثلاً فرض کنید اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، میشود مسئله‌ی اصلی؛ نامه‌نگاری میکنند! پیدا است که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله‌ی اصلی را از مسئله فرعی تشخیص نمیدهد و یک مسئله اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله اصلی، درست میکنند. وقتی این‌جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان آتش‌بختیاری است که عرض کردم.</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>اهتمام به مخاطب واقعی. فضای مجازی چیز خوبی است، فرصتی است اما کافی نیست. بعضی‌ها چسبیده‌اند به فضای مجازی -تویتر و مانند اینها- برای اینکه پیامهایشان را برسانند، این فایده ندارد؛ مخاطب واقعی لازم است، میزگرد لازم است، سخنرانی لازم است، نشریه لازم است، بحثهای دونفره و سه‌نفره لازم است، جلسات تحلیل لازم است؛ این جور با مخاطبینتان بنشینید؛ و مانند این کارها.</p> <p>توصیه‌ی بعدی. چند کلیدواژه‌ی اصلی هست، این کلیدواژه‌های اصلی را فراموش نکنید:</p> <p>-مسئله‌ی «نقش مردم در حکومت» یکی از این کلیدواژه‌ها است؛ این کلیدواژه است. بعضی‌ها از بچه‌های خوب و انقلابی تعجب میکنند که فلانی مدام میگوید در انتخابات شرکت کنید، شرکت کنید؛ از من گله‌مند میشوند که چرا شما مدام گفتید بیایید در انتخابات شرکت کنید. آقایان! توجه داشته باشید که مصیبت، آن‌روزی است که مردم پشت کنند به صندوق رأی؛ این مصیبت است؛ و دشمن این را میخواهد. الان شماها باید زودتر از من بشنوید، بنده هم شنفتهام صداهایی را که بلند میشود، آرزو میکنند و انتظار میکشند روزی را که نود درصد مردم پای صندوقها شرکت نکنند. حالا مثلاً فرض کنید که گفتند بیست و چند درصد پای صندوقها شرکت نکردند، نیامدند؛ میگویند این کافی نیست، باید کاری کنیم که نود درصد مردم پای صندوقهای رأی نیابند؛ مصیبت آن است. بنده آن را میبینم. حضور مردم پای صندوق رأی، یک نعمت بزرگی است. «مردم‌سالاری»، این جزو کلیدواژه‌های اصلی است؛ این را فراموش نکنید. خب، شما میخواهید که مردم پای فلان صندوق بیایند، پای آن صندوق نیابند، خب تلاش کنید تا آن کاری که شما می‌خواهید تحقق پیدا کند. جلوی حضور مردم پای صندوق رأی نایستید.</p> <p>-مسئله‌ی «استقلال» هم که من گفتم، خیلی مهم است. حالا همین مسئله‌ی ۲۰۳۰ -این قضیه‌ی سند ۲۰۳۰- از همین قبیل است؛ این مسئله‌ی استقلال است. حالا بعضی‌ها می‌آیند میگویند آقا، مثلاً فرض کنیم ما تحفظ داده‌ایم یا گفته‌ایم فلان چیزش را قبول نداریم؛ نه، بحث سر اینها نیست. فرض کنیم در این سند، هیچ چیز واضح بینی هم که مخالف با اسلام باشد وجود نداشته باشد -که البته وجود دارد؛ آنهایی که خیال میکنند ما گزارش درست نگرفته‌ایم؛ نه، گزارشهای ما گزارشهای درستی است -حرف من این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته بشود؛ حرف من این است. شما میگویید این مثلاً فرض کنید خلاف اسلام ندارد؛ داشته باشد یا نداشته باشد، اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است، اینجا یک ملت بزرگند. نظام آموزشی ما را چهار نفر در یونسکو یا سازمان ملل یا فلان جا بنشینند بنویسند؟ چرا؟ این همان مسئله‌ی استقلال است. استقلال ابعادش تا اینجاها است.</p> <p>-مسئله‌ی «نفی نظام سلطه» جزو کلیدواژه‌های اصلی است،</p> <p>-مسئله‌ی «آزادی» جزو کلیدواژه‌های اصلی است؛ آزادی را درست باید تبیین کنید.</p> <p>-مسئله‌ی «عدالت» جزو کلیدواژه‌های اصلی است؛ و از این قبیل.</p> <p>اینها را باید تبیین کنید. یعنی توصیه‌ی من به تشکلهای دانشجویی این است که این کلیدواژه‌های اساسی و اصلی را درست تبیین کنند. از بیانات امام استفاده کنید و مانند اینها.</p> <p>یک توصیه‌ی دیگر هم مسئله‌ی تدبیر و تعبد در عمل و گفتار است. من فراموش نمیکنم آن روزی را -سالها پیش البته- که شنیدم یک مجموعه‌ی دانشجویی که خب با ما هم مرتبط بود و خیلی هم گرم و گیرا، مثلاً در فلان جلسه‌شان یک چیز خلاف شرعی اتفاق افتاده؛ نگران شدم؛ نه به‌خاطر اینکه اینها گناه کردند -که خب آن البته نگرانی داشت- نگران شدم از اینکه راه اینها عوض شده و بعد دیدم همین جور هم بود. یعنی واقعاً «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السَّوَاءَ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»؛ وقتی که انسان برطبق تکلیف عمل نمیکند، تعبد را رها میکند، خدای متعال هدایتش را از او میگیرد.</p> <p>یک سفارش دیگر هم شجاعت در اقدام است. گاهی اوقات بعضی از تشکلهای میگویند «کنند این کار را بکنیم -مثلاً فرض کنید که- فلان آدم یا فلان دستگاه نگران بشوند، ناراحت بشوند یا فلان»؛ نه، شما اقدامتان را انجام بدهید، منتها آن‌وقتی که فهمیدید این اقدام نادرست است، از همان جا متوقفش کنید، یعنی همان جا برگردانید راه را؛ یعنی در انجام کارها و اقدام شجاعت داشته باشید. البته برای اینکه انسان یک اقدامی بکند، بایستی که جوانب کار را قشنگ بسنجد.</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>یک توصیه‌ی دیگر، سفارش به دانشجویان خواهر است. این دو دانشجوی خواهر انصافاً خیلی خوب صحبت کردند و هر دو نفرشان خیلی مطالب خوبی را بیان کردند؛ من سفارش میکنم یکی از نکاتی که دانشجویان خواهر در تشکلهای دنبال کنند، مسئله‌ی زن در غرب باشد؛ ما کمتر به این مسئله میپردازیم. البته در یکی از جلسات سالهای قبل، یکی از خواهران -یادم نیست که استاد بود یا دانشجوی- اینجا صحبت مفصل خیلی خوبی در این زمینه انجام دادند اما معتقدم باید کار کرد و میدان کار در این زمینه وجود دارد. این هم این مسئله.</p> <p>و آخرین حرف ما هم این است که تشکلهای امید را تزریق کنند در دانشگاهها؛ خودشان امیدوار بمانند و امید را هم تزریق کنند در دانشگاهها و نگذارند جو ناامیدی به وجود بیاید.</p> <p>دو نکته‌ی آخر هم عرض بکنم. نکته‌ی اول [راجع به فساد؛ در صحبتهای دوستان هم بود، بیرون هم شنفتم که میگویند. ببینید؛ نگاه من، دید من، این است که فساد در کشور سیستمی نشده. هر کس میگوید سیستمی است بیخود میگوید. فساد سیستمی یک چیز دیگر است. فساد سیستمی در زمان حکومت طاغوت بود؛ سیستم به طور طبیعی فسادآور و فسادپرور بود، یعنی باید آدم میگشت تا آدم سالم در آن پیدا میکرد؛ امروز این جور نیست؛ البته فساد هست، فسادهای بدی هم هست، اما] موردی است و باید برخورد بشود. حالا اینکه شما میگویید بایستی شفاف باشد، شفاف‌سازی [بشود] که من یادداشت کردم، نکته‌ی بسیار درست و خوبی است، این به جای خود محفوظ، منتها این جور نیست که فساد، سیستمی باشد؛ فساد موردی است و این فسادهای موردی را میشود علاج کرد.</p> <p>نکته‌ی دوم؛ اینکه کسانی بخواهند کشور را غرق کنند در فرهنگ غربی و گرایش به فرهنگی غربی را روزبه‌روز در کشور توسعه بدهند، این واقعیتی است؛ بله، وجود دارد. بعضی‌ها به‌خاطر اعتقاد و ایمان به فرهنگ غربی، بعضی هم از روی ضعف نفس و سست‌عنصری و عدم توجه و مانند اینها، می‌کشاند کشور را به سمت فرهنگ غربی؛ این هست، اما اینکه اینها بتوانند انقلاب را از خط خود منحرف کنند و کشور را در فرهنگ غربی غرق کنند، بدانید که قطعاً چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد. این نسلی که بحمدالله امروز تربیت شده و گسترده هم هست، این نسل علاقه‌مند به انقلاب و علاقه‌مند به اسلام و پای کار، نخواهد گذاشت چنین چیزی اتفاق بیفتد و هر روزی هم که بگذرد، مسلماً گسترش این نسل و عمق این نسل بیشتر خواهد شد؛ همچنان که امروز حرفهایی که شما اینجا زدید، خیلی عمیق‌تر و قوی‌تر بود از حرفهایی که مثلاً فرض کنید پنج سال پیش دانشجویهای قبل از شما اینجا میزدند^۱.</p> <p>- «در باره مسئله پیشرفت علمی، آقایان صحبت‌های خیلی خوبی کردند؛ یعنی این مطالبی که آقایان و خانم‌ها در بخش‌های مختلف فرمودند، حرف‌های بسیار خوبی بود؛ این نشان‌دهنده یک حرکت علمی است. حدوداً از اول دهه ۸۰ به این طرف که مسئله علم و پیشرفت علمی مطرح شد -آن‌طور که در ذهنم هست گمان می‌کنم اول در دانشگاه امیرکبیر بنده این مسئله را مطرح کردم و دنبال‌گیری کردیم- به معنای واقعی کلمه یک حرکتی به وجود آمد و چون زمینه و استعداد و ظرفیت آن در کشور وجود داشت، رشد علمی رشد بسیار خوبی شد. مسئله‌ای که بنده رویش تکیه می‌کنم، مسئله سرعت رشد است. در یکی از جلساتی که باز هم رؤسای دانشگاه‌ها و اساتید بودند، بنده راجع به سرعت رشد و اینکه این سرعت کم شده، تذکری دادم؛ وزیر محترم به من نامه نوشتند که «نه، رشد ما ادامه دارد» و آمارهایی را هم ذکر کرده بودند. من می‌دانم رشد ادامه دارد؛ بحث من بر سر این نیست که ما رشد علمی نداریم؛ چرا، خب من دارم می‌بینم که داریم؛ بحث من بر سر سرعت این رشد است؛ سرعت ما کم شده. ما امروز احتیاج داریم به اینکه این رشد را سرعت ببخشیم^۲.</p> <p>- «مطلب پنجم - که این‌هم به‌نظر من لازم است- در دفاع از نظام اسلامی هیچ تقیه نکنید و صریح باشید؛ نظام اسلامی مایه افتخار است. بله، در دنیا و در داخل، کسانی هستند که بخواهند نظام اسلامی را کم‌قدر جلوه بدهند -هستند کسانی از این قبیل- اما اینها اشتباه می‌کنند و راه</p>

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۶/۰۳/۱۷

۲. بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه در دوازدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۵/۰۳/۲۹

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>غلطی را دارند می روند؛ بعضی‌ها عمداً، بعضی‌ها هم از روی ناآگاهی. نظام اسلامی مایه شرف است، مایه افتخار است؛ دشمن شما نقص ها را می بیند و با تکیه بر آن نقص ها و قصورها و کمبودها مدام می خواهد بزند توی سر انقلاب؛ در قبال آن نقص ها و کمبودها، چندین برابر پیشرفت هست، موفقیت هست. مهم‌ترین موفقیت این است که امروز ۳۷ سال، ۳۸ سال است که یک جبهه عظیم قدرت مادی - از شرقی تا غربی و انواع و اقسامش - سعی کرده‌اند این انقلاب را و این ملت را و این نظام را به زانو در بیاورند و نتوانسته‌اند؛ مگر این شوخی است؟ یک آخم به فلان پادشاهی پرمدعا می کنند، همه‌شان به خودشان می لرزند و سعی می کنند دل طرف را به دست بیاورند؛ می روند، می نشینند، صحبت می کنند، می بندند، رشوه می دهند. ۳۷ سال است دارند علیه انقلاب اسلامی [کار می کنند]: کار نظامی کردند، کار امنیتی کردند، کار جاسوسی کردند، کار فرهنگی کردند؛ هزار کار کردند، [اما] جمهوری اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر شده. آقا جان! امروز جمعیت شما و کیفیت شما -مجموعه‌ای که طرف‌دار انقلابید- از اول انقلاب به مراتب بیشتر است؛ قبلاً شرح دادم این را. این معنایش چیست؟ این معنایش این است که انقلاب یک موجود زنده است و دارد روزبه‌روز رشد می کند؛ این افتخار آمیز نیست؟ البته اینکه می گویم از نظام دفاع بکنید، بعضی‌ها عادت کرده‌اند نظام را به معنای رهبری می گیرند؛ مثلاً در فلان قضیه، ضد نظام حرف زد، یعنی ضد رهبری، یا از طرف نظام دارد حمایت می شود، یعنی [از طرف] رهبری؛ بنده مقصودم این نیست. رهبری، بخشی از نظام است؛ مراد من از دفاع از نظام به هیچ‌وجه دفاع از رهبری نیست؛ دفاع از مجموعه نظام است که مجموعه ارزش های درهم‌تنیده‌ای است که بحمدالله این جور استوار مانده. این را بدانید جوان های عزیز! بنیه این انقلاب خیلی قوی است؛ قدرت رویش و استعداد رویش او خیلی بالاست؛ نیرو می خواهد، کمک می خواهد، توان می خواهد، الحمدلله دارد. البته مشکلات هم هست؛ چه مشکلات داخلی، چه مشکلات خارجی. نمی شود [این را] بدون مشکلات فرض کرد؛ همه حوادث اصلاحی عالم، بالاخره یک مشکلاتی در پیش روی خودشان داشته‌اند؛ جمهوری اسلامی هم دارد، انقلاب اسلامی هم دارد.</p> <p>مطلب ششم، اردوهای جهادی را توسعه بدهید، تداوم بدهید. من خوشحال شدم که این جوان آمد اینجا و از اردوی جهادی صحبت کرد و شرح داد. بله، همین حرف هایی که ایشان گفت، همه مورد تأیید من است؛ این اردوهای جهادی، هم تمرین است، هم خدمت است، هم خودسازی است، هم آشنایی با فضای جامعه است؛ خیلی چیز با ارزشی است. روزبه‌روز اینها را بتوانید توسعه بدهید؛ جهاد هم هست، واقعاً جهاد است؛ کار است، جهاد است، تلاش است، خدمت به محرومین است. البته این حرفهایی که راجع به روستا گفتند حرف هایی است که ما سال ها در دولت های مختلف، گفته‌ایم. حالا آن مطلبی که من قبل از نماز گفتم که رهبری در کارهای اجرایی نمی تواند دخالت کند مگر در یک موارد خاص، یک نمونه‌اش همین است؛ درباره روستاها، بنده به دولت های مختلف -این دولت، دولت قبل، دولت قبل او، دولت قبل او- مکرر سفارش کرده‌ام، راههای روشنی هم دارد؛ حالا چند موردش را این جوان بیان کردند؛ [یکی] صنایع مناسب با روستا که اگر راه بیفتد [آکارساز است]. صنایع کوچکی هست که متناسب با روستاست؛ فرض کنید باغ های ارومیه مثلاً درخت های سیب دارد، سیب‌های اینها می افتد و می ریزد روی زمین -بنده دیدم این را- و کود می شود. قیمتش آن قدر ارزان است که برای صاحب باغ نمی‌ارزد که پول بدهد این را جمع کنند بفرستند یک جایی! [یعنی] قیمت ندارد؛ درحالی که اگر فرض کنید کارخانه افشیره‌سازی یا کمپوت‌سازی یا فلان، همان‌جا تشکیل بشود، همه این ثروت زنده می شود. راه‌ها این‌جوری است؛ یعنی هیچ راه پیچیده دشواری وجود ندارد؛ خیلی راه‌های آسانی است، با سرمایه‌گذاری‌های کوچک. گاهی به ما می گویند آقا! اگر یک شغل بخواهیم درست بکنیم، صد میلیون لازم دارد؛ این شغل هایی که من می گویم، صد میلیون که هیچ، گاهی ده پانزده میلیون هم لازم ندارد. [اینها] راه‌های روشنی است؛ خب باید همت کنند و بکنند. بنابراین به نظر من اردوهای جهادی خیلی خوب است؛ پرداختن به مسئله روستاها مهم است.</p> <p>هفتم، سبک زندگی اسلامی ایرانی را در اندیشه و عمل دنبال کنید؛ مسئله مهمی است. بنشینید رویش فکر کنید، مصداق‌هایش را مشخص کنید، بعد خودتان عمل کنید و این را به عنوان دستورالعمل [منتشر کنید]؛ فرض کنید یک جزوه منتشر بشود در مورد سبک زندگی اسلامی</p>

ردیف	موضوع	مهم‌ترین محورها	مستندات
			<p>من باب مثال در مسیرها. حالا بنده در آن مثال هایی که آن دو سه سال قبل از این راجع به این قضیه زدم، مسئله پشت چراغ قرمز ایستادن را هم مثال زدم؛ همین موضوع را می شود گسترش داد؛ می شود تبیین کرد. کار شماهاست؛ کار شما جوان هاست که هم حوصله دارید، هم استعداد دارید، هم مغز را دارید، [هم] توانایی اش را دارید؛ خوب، بکنید این کارها را.</p> <p>هشت، گفتمان عدالت، اقتصاد دانش بنیان، پیشرفت ایرانی اسلامی، شتاب در یافته های علمی؛ اینها گفتمان های اصلی است؛ این گفتمان ها را تقویت کنید. گفتمان اقتصاد مقاومتی خیلی گفتمان مهمی است. بله، ممکن است چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و در واقع اقتصاد مقاومتی نباشد اما می شود هم چیزی به نام اقتصاد مقاومتی اجرا بشود و کاملاً اقتصاد مقاومتی باشد؛ یا لاقط بخشی از آن باشد. الان ظاهراً کارهای خوبی دارد انجام می گیرد؛ آن طوری که به من گزارش دادند؛ نه گزارش شخص مسئولین، گزارش های بیرون از مسئولیت های مسئولین هم به من داده می شود، گزارش های نسبتاً خرسندکننده ای است. احتمالاً کارهای خوبی انجام بگیرد به شرطی که اینها ادامه پیدا کند. من همیشه گفته ام که این سلسله مراتب عمل، از بالا تا پایین یک سلسله مراتب انسانی است؛ همه انسان ها مغز دارند، دل دارند، اراده دارند، عزم دارند؛ در این سلسله مراتب پنج شش واسطه ای، [اگر] یکی شان نخواهد انجام بدهد کار انجام نمی گیرد. مثل یک سیم برق نیست که اگر چنانچه شما اینجا دکمه را زدی، صد چراغ روشن بشود؛ نه، این سیم های وسط همه شان دارای اراده اند، دارای عزم اند انسان ها هستند. باید نظارت بشود، باید کنترل بشود، باید دنبال گیری بشود، باید رصد بشود، باید مطالبه دائمی بشود و شما می توانید در این زمینه نقش ایفا کنید. این مسئله اقتصاد مقاومتی است، مسئله عدالت همین جور است، پیشرفت ایرانی اسلامی همین جور است. بنده این توسعه غربی را به هیچ وجه قبول ندارم؛ پایه هایش غلط است، مبانی اش غلط است، بسیاری از فروعاتش غلط است، اما معتقدم - نمی خواهم هم کلمه توسعه را که در واقع برگرفته از تعبیر غربی و انگلیسی است، به کار ببرم، عمداً کلمه پیشرفت را به کار می برم - این پیشرفت اسلامی ایرانی می تواند به عنوان یک گفتمان، به عنوان یک خواست عمومی مطرح بشود. شتاب در یافته های علمی از همین قبیل است.</p> <p>یکی دیگر از مسائلی که به نظر من می توانید شما انجام بدهید تشکیل یک جبهه واحد ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی در سطح دانشجویان جهان اسلام است؛ این کار را بکنید. بنشینید، فکر کنید، بعد یک جبهه ضد صهیونیستی و ضد آمریکایی [تشکیل بدهید]. امروز وسیله ارتباط هم آسان است، دیگر نامه نگاری و پست و تلگراف و مانند اینها لازم ندارد. در فضای مجازی تماس بگیرید، کما اینکه در موارد مشابهی این کار انجام گرفته. به قول این فرنگی مآب ها یک کمپین های عمومی دنیای اسلامی تشکیل بدهید علیه تسلط آمریکا، از لحاظ ضدیت با سیاست های آمریکایی و سیاست های صهیونیستی. میلیون ها عضو وارد این مجموعه بشوند، وارد این جریان فکری بشوند و برایشان خوراک تهیه کنید؛ آن وقت آنها هم برای شما خوراک تهیه می کنند، چون در دنیای اسلام هم بالاخره افکار خوب دانشجویی وجود دارد؛ یک جمعیت عظیم دانشجویی در دنیای اسلام به وجود بیاورید^۱.</p>

^۱ . بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۰۴/۱۲